



رهنمون آموزشی قانون اساسی

مجتمع جامعه مدنی افغانستان (مجما)

بخش آموزش های مدنی

به کمک مالی
فهرست مضمعات

• يکي ۴ دو نکتہ با آموزگار

بخش نخست

• يك دوره آموزشي چگونه تشكيل مي شود ۵

• پلان يا برنامه آموزشي ۸

• نمايشنامه در رابطه به وجايب اتباع ۱۲

• نمايش نامه در رابطه به حقوق اتباع ۱۳

بخش دوم

• ماده هاي قانون در پيوند به قانون اساسي، دولت، وجايب اتباع، حقوق اتباع ۱۵

• رييس جمهور، حکومت ۲۸-۲۴

• جرگه ها و لويه جرگه ها در افغانستان ۳۰

• ماده هاي قانون اساسي در پيوند به لويه جرگه، قضا، اداره، حالت اضطرار ۳۵

• تعديل، احكام متفرقه و احكام انتقالي ۴۲

بخش سوم

• قانون اساسي ۴۶

• دولت ۴۸

• سير تاريخي قانون اساسي در افغانستان ۵۱

پیشگفتار

قانون اساسی کنونی افغانستان در يك برهه بسیار مهم از تاریخ کشور عرض وجود نموده است، دورانی که کشور چند دهه پر تلاطم را پشت سر گذاشته، دورانی که مردم رنج و عذاب فراوانی را تحمل کرده اند. اکنون بار دیگر افغانستان به جامعه بین المللی می پیوندد. در عین زمان مردم نمی خواهند که هویت خود را از دست بدهند و آرزو دارند قانون اساسی جدید تمام ارزش ها و رسوم پسندیده کشور را بازتاب دهد. از این روست که قانون اساسی جدید رسالت دارد تا میراث کهن، ارزش های ملی، آمال و دشواری های فردا را در نظر داشته باشد.

هر قانون اساسی عناصر گوناگونی را در بر دارد؛ ولی برخی از اصول شناخته شده در تمام قوانین اساسی دنیا درج می باشد. قانون اساسی در واقع پایه و بنیادی است که مجموع ساختار حکومت، نظام قانونی و حقوقی کشور بر آن متکی می باشد.

قانون اساسی جدید در ۱۶۲ ماده و ۱۲ فصل تدوین گردیده است. مردم بخش اصلی و اساسی يك کشور را تشکیل می دهد. هر گاه مردم حقوق و وجایب خود را ندانند گرهی از کار حکومت باز نخواهد شد. بخشی از افشار جامعه مانند زنان، کودکان و معلولان باید به طور خاص از سوی اشخاص، حکومت و جامعه حمایت شوند. در صورتیکه حقوق بعضی مردم نقض شود میتوانند از طریق شکایات به محاکم و کمیسیون مستقل حقوق بشر حقوق شانرا اعاده نمایند.

آگاهی از قانون برای زیستن در يك جامعه دموکراتیک امر بسیار حیاتی است. برای آن که تطبیق و رعایت قانون است که مرزهای عدالت در يك کشور را نگهداری میکند. همان گونه که در يك جامعه دموکراتیک سهمگیری مردم در امر ایجاد قانون اهمیت بزرگ دارد به همان گونه این

مردم اند که با رعایت قانون و با نظارت بر دولت در جهت تطبیق قانون بقای دموکراسی را تضمین میکنند. در این رهنمون مطالب مفیدی در رابطه به قانون اساسی در افغانستان، جایگاه و اهمیت آن در حیات سیاسی، اجتماعی مردم گرد آوری شده است. باور داریم که این رهنمون میتواند آموزگاران عزیز را در پیش برد دوره های آموزشی کمک کند.

عزیز رفیعی
رییس مجتمع جامعه مدنی افغانستان
(مجما)
یکی دو نکته با آموزگار

آموزگاران ارجمند!

زنده گی جریان بی پایان آموزش است. آن های که می آموزند ، انسان های خوشبختی اند ؛ اما آن ها یکه آموخته ها را به دیگران می آموزانند خوشبختتر اند .

روایت است که حرص حلال تنها حرص آموزش است ! اما بلند ترین سخاوت ، سخاوت آموختاندن است.

اساساً آموختاندن یک امر خداوندیست . آنگاه که حضرت جبرئیل در غار حرا به پیغمبر بزرگ اسلام بنا به دستور پروردگار می گوید ترجمه: بخوان به نام آنکه آفرید ترا از خون بسته ! این خود آموزشی است که به دستور پروردگار عالمیان صورت گرفته است .

آن چه که در این رهنمون آموزشی گرد آورده شده است . عمدتاً به سه بخش دسته بندی میگردد

نخست، بخش رهنمایی آموزگار :

آموزگار باید به این بخش توجه کند و آن را با دقت بخواند و هدایات را با دقت به کاربندد.

برای آنکه در این بخش آموزگار فرامیگیرد که چگونه و با استفاده از چه مواد و شیوه یی میتواند به آموزش پردازد و چگونه آموخته های خود را به دیگران انتقال می دهد .

بخش دوم عبارت از (تعریف قانون و قانون اساسی ، فصول ۱۲ گانه قانون اساسی جدید و معرفی قوانین اساسی گذشته افغانستان) میباشد .

در بخش سوم رشته مطالب و موضوعاتی که به موضوع رهنمون آموزشی رابطه دارد با استفاده از منابع با اعتبار گرد آوری شده است

این بخش میتواند آموزگار را کمک کند تا اطلاعاتی بیشتری پیرامون موضوع به دست آورد

آموزگاران عزیز :

امروز شغل آموزگاری را آمیزه‌ی از علم و هنر دانسته‌اند . نخست این که آموزگار خود چیزی میداند که این مربوط به بخش علم آموزگاری میشود و دیگر اینکه آموزگار باید بتواند دانسته‌های خود را با موثرترین شیوه به دیگران انتقال بدهد که این مربوط به هنر آموزگاری میگردد .

چیزی دیگری که در این زمینه مهم است ،علاقه و شور درونی آموزگار است . ما به علم و هنر شما باور داریم و آرزومندیم که این علم و هنر با شور و اشتیاق درونی شما بیامیزد .

شغل آموزگاری آن شغل مقدسی است که آموزگار آن را از پیامبران به میراث برده‌اند .

اگر تو نسوزی ،اگر من نسوزم ، اگر ما نسوزیم ، پس این جهان تاریک را چه کسی روشن خواهد کرد!

پرتو نادری

مسئول بخش آموزش های مدنی

(مجما)

بخش نخست

یک دوره آموزشی چگونه تشکیل می شود

آموزگار جهت تشکیل یک دوره آموزشی باید نکات زیرین را در نظر داشته باشد!

- شمار اشتراک کننده گان باید در میان ۲۰ - ۳۰ تن باشند.
- در هر دوره آموزشی دست کم باید دو آموزگار وجود داشته باشد.
- سامان وسایل آموزشی و مواد کمک درسی باید پیش از آغاز دوره آموزشی در صنف جا به جا گردند.

آغاز دوره آموزشی

آموزگار در پنج دقیقه نخست باید در ارتباط به موارد زیرین صحبت کند.

- معرفی خود و خوش آمدید به اشتراک کننده گان
- ارائه معلومات در ارتباط به اهداف دوره آموزشی

معرفی اشتراک کننده گان

زمان : ۲۰ - ۳۰ دقیقه

آموزگار باید از اشتراک کننده گان بخواهد که آن ها در معرفی خود نکات زیرین را در نظر بگیرند؟

- نام
- نام موسسه یی که در آن کار می کنند؟
- شغل در موسسه ؟
- موضوعی که پیوسته به آن فکر کرده اند ؟

وسایل

- کاغذ و قلم

روش

در گام نخست اشتراک کننده گان دو دو تن خود را خاموشانه به یکدیگر معرفی می کنند، بعداً هر کدام طرف مقابل را به تمام اشتراک کننده گان معرفی می نمایند.

چشمداشت اشتراک کننده گان از دوره آموزشی

زمان : ۱۵ دقیقه

آموزگار پیش از آن که از اشتراک کننده گان بخواهد تا توقع و چشمداشت شان را بیان کنند، او باید در رابطه به موضوعات زیرین سخنان فشرده یی بیان کند.

- هر فعالیت هدفی دارد .
- هر فعالیت دست آوردی دارد و ما جهت رسیدن به آن به روش های مشخص و سامان

و سایل نیاز داریم.

آموزگار پس از این مقدمه از اشتراک کننده گان می خواهد تا هر کدام به گونه انفرادی توقع خود را روی کارت های رنگه بنویسد، هر اشتراک کننده تنها یک توقع خود را باید بنویسد .

وسایل

- کارت های رنگه ۱۱ / ۲۲ سانتی متر به رنگهای گوناگون
- مارکر به رنگ های گوناگون
- سکاچ تیپ ، فیچی

شرایط و قواعد دوره آموزشی

زمان : ۱۰ دقیقه

جهت پیشبرد بهتر و ایجاد فضای سالم آموزشی، آموزگار از اشتراک کننده گان می خواهد که از نظر آن ها باید چه شرایط و قواعدی در دوره آموزشی مراعات شود.

آموزگار باید نکاتی را که از سوی اشتراک کننده گان بیان می شود، روی تخته یا چارت بنویسد.

به گونه مثال : اشتراک کننده گان می خواهند تا موبایل ها خاموش گردند و یا هم تقاضا دارند که در جریان گفتگو ها به نظریات همه گان احترام شود و مثال های دیگر.....

اگر آموزگار فکر می کند که بعضی از قواعد و شرایط مورد نیاز در دوره آموزشی به وسیله اشتراک کننده گان بیان نشده است، در این صورت او می تواند به گونه مشوره یی ، آن شرایط را یاد دهانی کند.

وسایل

- فلپ چارت
- مارکر
- سکاچ تیپ
- قیچی

روش

- ذهن انگیزی
- پرسش و پاسخ
- نظر خواهی

هدف دوره آموزشی

زمان : ۱۰ دقیقه

آموزگار باید توجه کند که :

در هدف دوره آموزشی چه چیزی نهفته است و چرا نهفته است. مثلاً: (بلند بردن سطح آگاهی اشتراک کننده گان درمورد قانون اساسی افغانستان) وابسته به جز (چه)ی هدف است و اما هنوز هدف مکمل نیست، آموزگار باید بخش (چرا) هدف را نیز مطرح کند در این جز چرا عبارت از (به منظور سهمگیری آگاهانه آنها در امور اجتماعی ، سیاسی ، فرهنگی اقتصادی و تطبیق قانون در کشور) است .

بناً هدف دوره آموزشی عبارت است از:

بلند بردن سطح آگاهی اشتراک کننده گان در مورد قانون اساسی افغانستان به منظور سهمگیری آگاهانه آنها در امور

اجتماعی ، سیاسی ، فرهنگی ، اقتصادی و تطبیق قانون در کشور .

آموزگار جهت رسیدن به این هدف باید هم چنان مقاصد آموزشی خود را مشخص کند. او باید مشخص کند که چه وقت و چگونه می تواند به این هدف برسد.

مثلاً برای رسیدن به این هدف آموزگار باید مقاصد زیرین را در نظر بگیرد:

مقاصد آموزشی :

- اشتراک کننده گان در ختم دوره آموزشی قادر خواهند بود :
- *- مراحل سیر تاریخی قوانین اساسی را در کشور بیان نمایند .
- *- ساختار قانون اساسی جدید را توضیح دهند .
- *- فصول ۱۲ گانه قانون اساسی را نام ببرند.
- *- وظایف رئیس جمهور ، شورای ملی ، ولسی جرگه را تشریح نمایند .
- *- توضیح دهند که تعدیل ، اضطرار ، شورا ی ولایتی ، لویه جرگه چیست ؟
- *- تطبیق قانون را در کشور ابتدا بالای خود شروع نمایند .
- *- با استفاده از دست یابی به آگاهی در مورد قانون اساسی نقش خود را در تطبیق قانون در کشور بیان کنند .

وسایل :

فلپ چارت

مارکر

تباشیر

تخته سفید و سیاه

ملتی مدیا در صورت امکان

کمپیوتر در صورت امکان

روش :

تشریح و توضیح

مباحثه

پرسش و پاسخ

پلان یا برنامه آموزشی

دانشمندان عرصه آموزش و پرورش باوردارند که هیچ آموزگاری بدون داشتن پلان یا برنامه آموزشی نمیتواند یک آموزگار موفق باشد روی همین هدف ما در این جا پلان آموزشی را در موضوع (حقوق اساسی اتباع نظر به ماده های قانون اساسی کشور) بگونه و نمونه آماده ساخته ایم . آموزگار در بخش های بعد ی میتواند مطابق موضوع ، خود یک چنین پلان آموزشی را بسازد .

پلان یا برنامه آموزشی
مدت زمان برای تطبیق ۱۰۵ دقیقه

موضوع : حقوق اساسی اتباع فصل دوم قانون اساسی افغانستان
هدف:

بلند بردن سطح آگاهی اشتراک کننده گان در مورد حقوق اساسی اتباع نظر به ماده های قانون اساسی افغانستان تا آنها بتوانند از حقوق خویش آگاهانه دفاع نموده و وجایب خود را در برابر ملت و دولت انجام دهند .

مقاصد:

- اشتراک کننده گان در ختم ساعت درس قادر خواهند بود که :
- حق و وجیبه را مطابق به قانون اساسی تعریف نمایند .
 - ساختار قانون اساسی جدید را بیان کنند .
 - فرق بین قانون اساسی و قوانین دیگر را توضیح دهند .
 - بخش حقوق و وجایب شهروند را نظر به ماده های قانون اساسی از هم تفکیک کنند .

زمان	فعالیت ها	روش ها	مواد درسی
------	-----------	--------	-----------

<p>تخته، بورد ماکر فلیپ چارت و کارت های رنگه</p>	<p>تشریح</p>	<p>مقدمه موضوع: فعالیت اول:</p> <p>- در يك مقدمه کوتاه آموزگار قوانین اساسی و قانون اساسی جدید افغانستان را معرفی می کند.</p> <p>- از اشتراك کننده گان بپرسید تا موضوعات بیشتری را اگر خواسته باشند علاوه نمایند.</p> <p>انکشاف موضوع: فعالیت دوم:</p> <p>سوال:</p> <p>- آموزگار از اشتراك کننده گان بپرسد تا فصول قانون اساسی جدید را نام ببرند.</p> <p>فعالیت سوم:</p> <p>- آموزگار از روی چارت ها و یا دیگر وسایل دست داشته فصول ۱۲ گانه قانون اساسی را ارایه بدارد.</p> <p>فعالیت چهارم:</p> <p>با استفاده از دو تمثیل کوتاه (ضمیمه شماره يك آموزگار به اشتراك کننده گان فرق بین حقوق ووجیبه را مشخص میسازد</p> <p>فعالیت پنجم:</p> <p>- بعد از شنیدن نظریات اشتراك کننده گان در مورد پارچه های تمثیلی آموزگار آنها را به گروه هاطوری تقسیم نماید که گروه اول ، دوم و سوم حقوق اتباع را و گروه چهارم وجایب و مسوولیت های اتباع را در کاغذ های فلیپ چارت ساده بطور ماده وار فهرست نموده و بعداً به دیگران پیشکش نمایند.</p>	<p>۱۰ دقیقه</p> <p>۵ دقیقه</p> <p>۱۰ دقیقه</p> <p>۲۰ دقیقه</p> <p>۳۰ دقیقه</p>
<p>چارت/ کارت رنگ شماره (۳)</p>	<p>پرسش و پاسخ تشریح تمثیل کار گروهی</p>	<p>فعالیت سوم:</p> <p>- آموزگار از روی چارت ها و یا دیگر وسایل دست داشته فصول ۱۲ گانه قانون اساسی را ارایه بدارد.</p> <p>فعالیت چهارم:</p> <p>با استفاده از دو تمثیل کوتاه (ضمیمه شماره يك آموزگار به اشتراك کننده گان فرق بین حقوق ووجیبه را مشخص میسازد</p> <p>فعالیت پنجم:</p> <p>- بعد از شنیدن نظریات اشتراك کننده گان در مورد پارچه های تمثیلی آموزگار آنها را به گروه هاطوری تقسیم نماید که گروه اول ، دوم و سوم حقوق اتباع را و گروه چهارم وجایب و مسوولیت های اتباع را در کاغذ های فلیپ چارت ساده بطور ماده وار فهرست نموده و بعداً به دیگران پیشکش نمایند.</p>	<p>۱۰ دقیقه</p> <p>۲۰ دقیقه</p> <p>۳۰ دقیقه</p>

<p>توزیع مواد درسی بخش وجایب اتباع. حقوق</p>	<p>تشریح</p>	<p>فعالیت ششم : - بعد از تشریح کار گروهی مواد مندرج بخش حقوق و وجایب قانون اساسی جدید را به طور ماده وار توسط اشتراك کننده گان ارایه بدارید.</p>	<p>۱۰ دقیقه</p>
	<p>مباحثه</p>	<p>فعالیت هفتم: - آموزگار باید زمینه بحث، پرسش و پاسخ و گفتگو توضیح را به اشتراك کننده گان مساعد سازد .</p>	<p>۱۰ دقیقه</p>
	<p>پرسش و پاسخ</p>	<p>نتیجه گیری و ارزیابی موضوع:</p> <p>فعالیت هشتم : - آموزگار جهت اطمینان بیشتر از پروسه آموزش باید این پرسش ها را با اشتراك کننده گان در میان بگذارد ! • قانون اساسی افغانستان دارای چه ساختاری است. • فصول قانون اساسی جدید کدام ها اند. • بخش حقوق و وجایب اتباع دارای چه تعداد مواد بوده و شامل کدام حقوق و وجایب میباشد. - باید بر نکات کلیدی تاکید صورت گیرد ! - موقع و فرصت پرسش و یا ابراز نظر اضافی را مساعد سازد.</p>	<p>۱۰ دقیقه</p>

ضمیمه شماره (يك)
نمایشنامه کوتاه در رابطه به وجایب اتباع (دو دوکاندار)
اولی: خیر محمد جان چرتی واری هستی چی گپ اس؟
دومی: گم کو بیادر، از یک غم خلاص نمی شم که دیگیش ده جانم
می آیه. بیخی به تنگ آمدیم ، دلم اس که همه چیز را ایلا کده ده کدام
دشت و صحرا برم.

اولی: او گل بیادر شف شف نگو شفتالو بگو اصل گپ چیس؟
دومی: بیادر از یک سو نفقه زن و اولاد ، کرایه خانه از سوی دیگه ،
حالی ای گل نو را بیبی مالیه از دوکانت بتی خی دگه مه ده گدایی
بشینم چی بخوریم ، چی بپوشیم ، گل شه مصرف کو ، کرایه بتی ،
مالیه بتی بیا و پوره کو.

اولی: او جان بیادر او گل بیادر ای خو وجیبه هر شهروند افغانستان
است که از خانه، دوکان و ملکیت خود باید مالیه بته. بیادر دولت سرت
حق داره ، تو ده یک ملک که زندگی میکنی از همه چیز موجود در آن
استفاده می کنی از آب، هوایش استفاده می کنی، اولاد هایت مفت
به مکتب و فاکولته بیرون ، از خدمات صحتی ده شفاخانه ها استفاده
می کنی ، امنیت داری . خو همی معلم معاش می گیره ، اگه معاش
نباشه اولاد تو چطور درس خنده میتانن، اگه داکتر ها معاش نگیرن
چطور از خدمات مفت صحتی استفاده می کنی. بیادر همی مالیه اس
که معاش همی مامورین داده میشه که امروز مه و تو و خانواده های ما
آرام هستیم. اگه ما مالیه نتیم با دولت خود بازو نتیم خی ای ملک ما
چطور آباد شوه ها؟

دومی: بیادر خوب شد که برم گفتی که چشم هایم و گوشهایم واز
شد. مه خو نمی فامیدم راست میگی ، اگه مه مالیه نتم اگه تو مالیه
نتی ای ملک ما چطور آباد شوه حالی مه میرم و دگه اندیوال هایمه هم
که مالیه نمیتن برایشان میفامانم. بیادر زنده خو پاشی بامان خدا.
اولی: ای وظیفه هر شهروند است که از حقوق و وجایب خود با خبر
باشه.

ضمیمه شماره (دوم)
نمایشنامه کوتاه در رابطه به حقوق اتباع

اولی: خبر داری بیادر که رییس جمهور در کشور ما انتخاب می شود.
دومی: ها بیادر ، چی کنیم از دست ما چی ساخته اس، او کسی را
که ما میخاییم خو انتخاب نمی شه، کی گپ ما ره می شنوه
اولی: نی بیادر، تو درست خبر نداری حالی ای حکومت از او حکومت
های سابق نیس ، حالی مردم می تانن رییس جمهور کشور شانرا خود
شان انتخاب کنن.

دومی : راست میگی والله اگه خو باورم بیایه.
اولی: بیادر حالی حکومت دموکراسی است هر کس حق دارد تا به
شخص مورد نظر خود رای بدهد تا در انتخابات ریاست جمهوری کاندید
شود.

دومی: خو، خی مه چطور می تانم که به شخص مورد نظر خود رای
بدهم؟

اولی: بیا که مه ده مرکز انتخابات بیرمت که در اونجه رهنمایی شوی
که چطور ای کاره به پیش بیری.
دومی: خیر ببینی بیادر بیا که بریم

یاد داشت برای آموز گار :
آموزش یک پروسه دو جانبه است .آموزگار چیزی را برای اشتراک کننده
گان میاموزاند و به همین گونه خود نیز از اشتراک کننده گان چیز های
را میاموزد.

اگر در پروسهء آموزش سطح آگاهی بلند نرود در حقیقت آموزش صورت
نگرفته است. بنا هر آموز گار نیاز مند است ، نتیجهء آموزش خود را با
طرح چند پرسش ارزیابی کند ما نیز در این جا چند پرسش را طرح
نمودیم؛ ولی آموز گار میتواند خود نیز پرسش هایی را طرح کند .

پرسشها جهت ارزیابی :

- *- قوانین اساسی افغانستان را معرفی نماید .
- *- ساختار قانون اساسی جدید را توضیح دهید .
- *-حقوق ووجایب اتباع مربوط کدام فصل قانون اساسی میباشد ؟
- *- فرق میان وجیبه و حق را بیان کنید .
- *- فصول ۱۲ گانه قانون اساسی را نام برید .

آموزگار جهت پیشبرد موفقانه آموزش خویش باید
برنامه یا پلان آموزشی را دقیقاً مورد مطالعه
قرار داده وهدایات آنرا عملی سازد !

همچنان در قسمت پیشبرد موضوعات آموزگار میتواند از انواع مختلف روش های آموزش بزرگسالان استفاده نماید . بگونه مثال ما میتوانیم روش های کار گروهی پارچه تمثیلی ، توپ برفی ، سوال و جواب ، مباحثه ، مناقشه ، ذهن انگیزی ، تمثيل ، نمایش ، نظر خواهی ، کار گروهی ، قصه و ... به عنوان روش های موثر به آموزگاران توصیه نمایم.

بخش دوم ماده های قانون اساسی فصل اول دولت

ماده اول: افغانستان، دولت جمهوری اسلامی، مستقل، واحد و غیر قابل تجزیه می باشد.

ماده دوم: دین دولت جمهوری اسلامی افغانستان، دین مقدس اسلام است.

پیروان سایر ادیان در پیروی از دین و اجرای مراسم دینی شان در حدود احکام قانون آزاد می باشند.

ماده سوم: در افغانستان هیچ قانون نمی تواند مخالف معتقدات و احکام دین مقدس اسلام باشد.

ماده چهارم: حاکمیت ملی در افغانستان به ملت تعلق دارد که به طور مستقیم یا توسط نمایندگان خود آنرا اعمال می کند.

ملت افغانستان عبارت است از تمام افرادی که تابعیت افغانستان را دارا باشند.

ملت افغانستان متشکل از اقوام پشتون، تاجک، هزاره، ازبک، ترکمن، بلوچ، پشه پی، نورستانی، ایماق، عرب، قرغیز، قزلباش، گوجر، براهوی، و سایر اقوام می باشد.

بر هر فرد از افراد ملت افغانستان کلمه افغان اطلاق می شود. هیچ فرد از افراد ملت از تابعیت افغانستان محروم نمی گردد.

امور مربوط به تابعیت و پناهندگی توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده پنجم: تطبیق احکام این قانون اساسی و سایر قوانین، دفاع از استقلال، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی و تأمین امنیت و قابلیت دفاعی کشور از وظایف اساسی دولت می باشد.

ماده ششم: دولت به ایجاد یک جامعه مرفه و مترقی بر اساس عدالت اجتماعی، حفظ کرامت انسانی، حمایت حقوق بشر، تحقق دموکراسی، تأمین وحدت ملی، برابری بین همه اقوام و قبایل و انکشاف متوازن در همه مناطق کشور مکلف می باشد.

ماده هفتم: دولت منشور ملل متحد، معاهدات بین الدول، میثاق های بین المللی که افغانستان به آن ملحق شده است و اعلامیه جهانی حقوق بشر را رعایت می کند.

دولت از هر نوع اعمال تروریستی، زرع و قاچاق مواد مخدر و تولید و استعمال مسکرات جلوگیری می کند.

ماده هشتم: دولت سیاست خارجی کشور را بر مبنای حفظ استقلال، منافع ملی و تمامیت ارضی و عدم مداخله، حسن همجواری، احترام متقابل و تساوی حقوق تنظیم می نماید.

ماده نهم: معادن و سایر منابع زیر زمینی و آثار باستانی ملکیت دولت می باشند.

حفاظت و اداره املاک دولت و طرز استفاده درست از منابع طبیعی و سایر املاک عامه توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده دهم: دولت، سرمایه گذاریها و تشبثات خصوصی را مبتنی بر نظام اقتصاد بازار، مطابق به احکام قانون، تشویق، حمایت و مصونیت آنها را تضمین می نماید.

ماده یازدهم: امور مربوط به تجارت داخلی و خارجی، مطابق به ایجابات اقتصادی کشور و مصالح مردم، توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده دوازدهم: د افغانستان بانک، بانک مرکزی دولت و مستقل می باشد.

نشر پول و طرح و تطبیق سیاست پولی کشور، مطابق به احکام قانون، از صلاحیت بانک مرکزی می باشد.

بانک مرکزی در مورد چاپ پول با کمیسیون اقتصادی ولسی جرگه مشوره می نماید.

تشکیل و طرز فعالیت این بانک توسط قانون تنظیم می شود.

ماده سیزدهم: دولت برای انکشاف صنایع، رشد تولید، ارتقای سطح زندگی مردم و حمایت از فعالیت های پیشه وران، پروگرامهای مؤثر طرح و تطبیق می نماید.

ماده چهاردهم: دولت برای انکشاف زراعت و مالداری، بهبود شرایط اقتصادی، اجتماعی و معیشتی دهقانان و مالداران و اسکان و بهبود زندگی کوچیان، در حدود بنیه مالی دولت، پروگرامهای مؤثر طرح و تطبیق می نماید. دولت به منظور تهیه مسکن و توزیع ملکیت های عامه برای اتباع مستحق، مطابق به احکام قانون و در حدود امکانات مالی، تدابیر لازم اتخاذ می نماید.

ماده پانزدهم: دولت مکلف است در مورد حفظ و بهبود جنگلات و محیط زیست تدابیر لازم اتخاذ نماید.

ماده شانزدهم: از جمله زبانهای پشتو، دری، ازبکی، ترکمنی، بلوچی، پشه یی، نورستانی، پامیری و سایر زبانهای رایج در کشور، پشتو و دری زبانهای رسمی دولت می باشند.

در مناطقی که اکثریت مردم به یکی از زبانهای ازبکی، ترکمنی، پشه یی، نورستانی، بلوچی و یا پامیری تکلم می نمایند آن زبان علاوه بر

پشتو و دری به حیث زبان سوم رسمی می باشد و نحوه تطبیق آن توسط قانون تنظیم می گردد.

دولت برای تقویت و انکشاف همه زبانهای افغانستان پروگرامهای مؤثر طرح و تطبیق می نماید.

نشر مطبوعات و رسانه های گروهی به تمام زبانهای رایج در کشور آزاد می باشد.

مصطلحات علمی و اداری ملی موجود در کشور حفظ میگردد.

ماده هفدهم: دولت برای ارتقای معارف در همه سطوح، انکشاف تعلیمات دینی، تنظیم و بهبود وضع مساجد، مدارس و مراکز دینی تدابیر لازم اتخاذ می نماید.

ماده هجدهم: مبدا تقویم کشور بر هجرت پیغمبر اکرم (ص) استوار است.

مبنای کار ادارات دولتی تقویم هجری شمسی می باشد.

روز های جمعه، ۲۸ اسد و ۸ ثور تعطیل عمومی است. سایر رخصتی ها توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده نوزدهم: بیرق افغانستان مرکب است از : سه قطعه با رنگ های سیاه، سرخ و سبز که به صورت عمودی، به اندازه های مساوی، از چپ به راست، در کنار هم واقع شده، عرض هر رنگ برابر نصف طول آن است و در وسط آن نشان ملی افغانستان قرار دارد.

نشان ملی افغانستان عبارت از محراب و منبر به رنگ سفید می باشد که در دو گوشه آن دو بیرق و در وسط آن در قسمت فوقانی، کلمه مبارک لا اله الا الله محمد رسول الله و الله اکبر و اشعه خورشید در حال طلوع و در قسمت تحتانی آن تاریخ ۱۲۹۸ هجری شمسی و کلمه افغانستان، جا داشته و از دو طرف با خوشه های گندم احاطه شده است.

طرز استفاده از بیرق و نشان ملی توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده بیستم: سرود ملی افغانستان به زبان پشتوو با ذکر الله اکبر و نام اقوام افغانستان می باشد.

ماده بیست و یکم: پایتخت افغانستان شهر کابل می باشد.

فصل دوم حقوق اساسی و وجایب اتباع

ماده های قانون اساسی

ماده بیست و دوم: هر نوع تبعیض و امتیاز بین اتباع افغانستان ممنوع است.

اتباع افغانستان اعم از زن و مرد در برابر قانون دارای حقوق و وجایب مساوی می باشند.

ماده بیست و سوم: زندگی موهبت الهی و حق طبیعی انسان است. هیچ شخص بدون مجوز قانونی از این حق محروم نمی گردد.

ماده بیست و چهارم: آزادی حق طبیعی انسان است. این حق جز آزادی دیگران و مصالح عامه که توسط قانون تنظیم می گردد، حدودی ندارد.

آزادی و کرامت انسان از تعرض مصئون است.

دولت به احترام و حمایت آزادی و کرامت انسان مکلف می باشد.

ماده بیست و پنجم: برائت ذمه حالت اصلی است.

متهم تا وقتی که به حکم قطعی محکمه با صلاحیت محکوم علیه قرار نگیرد، بی گناه شناخته می شود.

ماده بیست و ششم: جرم یک عمل شخصی است.

تعقیب، گرفتاری یا توقیف متهم و تطبیق جزا بر او به شخص دیگری سرایت نمی کند.

ماده بیست و هفتم: هیچ عملی جرم شمرده نمی شود مگر به حکم قانونی که قبل از ارتکاب آن نافذ گردیده باشد هیچ شخص را نمی توان تعقیب، گرفتار و یا توقیف نمود مگر بر طبق احکام قانون.

هیچ شخص را نمی توان مجازات نمود مگر به حکم محکمه با صلاحیت و مطابق به احکام قانونی که قبل از ارتکاب فعل مورد اتهام نافذ گردیده باشد.

ماده بیست و هشتم: هیچ یک از اتباع افغانستان به علت اتهام به جرم، به دولت خارجی سپرده نمی شود مگر بر اساس معامله بالمثل و پیمان های بین الدول که افغانستان به آن پیوسته باشد.

هیچ افغان به سلب تابعیت و یا تبعید در داخل یا خارج افغانستان محکوم نمی شود.

ماده بیست و نهم: تعذیب انسان ممنوع است.

هیچ شخص نمی تواند حتی به مقصد کشف حقایق از شخص دیگر، اگر چه تحت تعقیب، گرفتاری یا توقیف و یا محکوم به جزا باشد، به تعذیب او اقدام کند یا امر بدهد.

تعیین جزایی که مخالف کرامت انسانی باشد، ممنوع است. ماده سی ام: اظهار، اقرار و شهادتی که از متهم یا شخص دیگری به وسیله اکراه به دست آورده شود، اعتبار ندارد. اقرار به جرم عبارت است از اعتراف متهم با رضایت کامل و در حالت صحت عقل، در حضور محکمه با صلاحیت.

ماده سی و یکم: هر شخص می تواند برای دفع اتهام به مجرد گرفتاری و یا برای اثبات حق خود، وکیل مدافع تعیین کند. متهم حق دارد بمجرد گرفتاری، از اتهام منسوب اطلاع یابد و در داخل میعاد که قانون تعیین می کند در محکمه حاضر گردد. دولت در قضایای جنایی برای متهم بی بضاعت وکیل مدافع تعیین می نماید.

محرمت مکالمات، مراسلات و مخابرات بین متهم و وکیل آن، از هر نوع تعرض مصون میباشد.

وظایف و صلاحیت های وکلای مدافع توسط قانون تنظیم می گردد. ماده سی و دوم: مدیون بودن شخص موجب سلب یا محدود شدن آزادی وی نمی شود.

طرز و وسایل تحصیل دین توسط قانون تنظیم می گردد. ماده سی و سوم: اتباع افغانستان حق انتخاب کردن و انتخاب شدن را دارا می باشند.

شرایط و طرز استفاده از این حق توسط قانون تنظیم می گردد. ماده سی و چهارم: آزادی بیان از تعرض مصئون است.

هر افغان حق دارد فکر خود را به وسیله گفتار، نوشته، تصویر ویا وسایل دیگر، با رعایت احکام مندرج این قانون اساسی اظهار نماید. هر افغان حق دارد مطابق به احکام قانون، به طبع و نشر مطالب، بدون ارائه قبلی آن به مقامات دولتی، پردازد.

احکام مربوط به مطابع، رادیو و تلویزیون، نشر مطبوعات و سایر وسایل ارتباط جمعی توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده سی و پنجم: اتباع افغانستان حق دارند به منظور تأمین مقاصد مادی ویا معنوی، مطابق به احکام قانون، جمعیت ها تأسیس نمایند. اتباع افغانستان حق دارند، مطابق به احکام قانون، احزاب سیاسی تشکیل دهند، مشروط بر اینکه:

۱. مرامنامه و اساسنامه حزب، مناقض احکام دین مقدس اسلام و نصوص و ارزشهای مندرج این قانون اساسی نباشد؛

۲. تشکیلات و منابع مالی حزب علنی باشد؛

۳. اهداف و تشکیلات نظامی و شبه نظامی نداشته باشد؛

۴. وابسته به حزب سیاسی و یا دیگر منابع خارجی نباشد؛
تأسیس و فعالیت حزب بر مبنای قومیت، سمت، زبان و مذهب فقهی
جواز ندارد.

جمعیت و حزبی که مطابق به احکام قانون تشکیل می شود، بدون
موجبات قانونی و حکم محکمه با صلاحیت منحل نمی شود.

ماده سی و ششم: اتباع افغانستان حق دارند برای تأمین مقاصد جایز
و صلح آمیز، بدون حمل سلاح، طبق قانون اجتماع و تظاهرات نمایند.

ماده سی و هفتم: آزادی و محرمیت مراسلات و مخابرات اشخاص چه
به صورت مکتوب باشد و چه به وسیله تلفون، تلگراف و وسایل دیگر،
از تعرض مصئون است.

دولت حق تفتیش مراسلات و مخابرات اشخاص را ندارد، مگر مطابق
به احکام قانون.

ماده سی و هشتم: مسکن شخص از تعرض مصئون است.

هیچ شخص، به شمول دولت، نمی تواند بدون اجازه ساکن یا قرار
محکمه با صلاحیت و به غیر از حالات و طرزی که در قانون تصریح شده
است، به مسکن شخص داخل شود یا آن را تفتیش نماید.

در مورد جرم مشهود، مامور مسوول می تواند بدون اجازه قبلی
محکمه، به مسکن شخص داخل شود یا آن را تفتیش کند. مامور
مذکور مکلف است بعد از داخل شدن یا اجرای تفتیش، در خلال مدتی
که قانون تعیین می کند قرار محکمه را حاصل نماید.

ماده سی و نهم: هر افغان حق دارد به هر نقطه کشور سفر نماید و
مسکن اختیار کند، مگر در مناطقی که قانون ممنوع قرار داده است.
هر افغان حق دارد مطابق به احکام قانون به خارج افغانستان سفر
نماید و به آن عودت کند.

دولت از حقوق اتباع افغانستان در خارج از کشور حمایت می نماید.

ماده چهلم: ملکیت از تعرض مصئون است.

هیچ شخص از کسب ملکیت و تصرف در آن منع نمی شود، مگر در
حدود احکام قانون.

ملکیت هیچ شخص، بدون حکم قانون و فیصله محکمه با صلاحیت
مصادره نمی شود.

استملاک ملکیت شخص، تنها به مقصد تأمین منافع عامه، در بدل
تعویض قبلی و عادلانه، به موجب قانون مجاز می باشد.

تفتیش و اعلان دارایی شخص، تنها به حکم قانون صورت می گیرد.

ماده چهل و یکم: اشخاص خارجی در افغانستان حق ملکیت اموال
عقاری را ندارند.

اجاره عقار به منظور سرمایه گذاری، مطابق به احکام قانون مجاز می باشد.

فروش عقار به نمایندگی های سیاسی دول خارجی و به مؤسسات بین المللی که افغانستان عضو آن باشد، مطابق به احکام قانون، مجاز می باشد.

ماده چهل و دوم: هر افغان مکلف است مطابق به احکام قانون به دولت مالیه و محصول تأدیه کند. هیچ نوع مالیه و محصول، بدون حکم قانون، وضع نمی شود.

اندازه مالیه و محصول و طرز تأدیه آن، با رعایت عدالت اجتماعی، توسط قانون تعیین می گردد.

این حکم در مورد اشخاص و مؤسسات خارجی نیز تطبیق می شود.

هزنوع مالیه، محصول و عواید تأدیه شده، به حساب واحد دولتی تحویل داده می شود.

ماده چهل و سوم: تعلیم حق تمام اتباع افغانستان است که تا درجه لیسانس در مؤسسات تعلیمی دولتی به صورت رایگان از طرف دولت تأمین می گردد.

دولت مکلف است به منظور تعمیم متوازن معارف در تمام افغانستان، تأمین تعلیمات متوسطه اجباری، پروگرام مؤثر طرح و تطبیق نماید و زمینه تدریس زبانهای مادری را در مناطقی که به آنها تکلم می کنند فراهم کند.

ماده چهل و چهارم: دولت مکلف است به منظور ایجاد توازن و انکشاف تعلیم برای زنان، بهبود تعلیم کوچیان و امحای بی سوادی در کشور، پروگرامهای مؤثر طرح و تطبیق نماید.

ماده چهل و پنجم: دولت نصاب واحد تعلیمی را، بر مبنای احکام دین مقدس اسلام و فرهنگ ملی و مطابق با اصول علمی، طرح و تطبیق می کند و نصاب مضامین دینی مکاتب را، بر مبنای مذاهب اسلامی موجود در افغانستان، تدوین می نماید.

ماده چهل و ششم: تأسیس و اداره مؤسسات تعلیمات عالی، عمومی و اختصاصی وظیفه دولت است.

اتباع افغانستان می توانند به اجازه دولت به تأسیس مؤسسات تعلیمات عالی، عمومی، اختصاصی و سواد آموزی اقدام نمایند.

دولت می تواند تأسیس مؤسسات تعلیمات عالی، عمومی و اختصاصی را به اشخاص خارجی نیز مطابق به احکام قانون اجازه دهد.

شرایط شمول در مؤسسات تعلیمات عالی دولتی و سایر امور مربوط به آن، توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده چهل و هفتم: دولت برای پیشرفت علم، فرهنگ، ادب و هنر پروگرامهای مؤثر طرح می نماید.

دولت حقوق مؤلف، مخترع و کاشف را تضمین می نماید و تحقیقات علمی را در تمام عرصه ها تشویق و حمایت می کند و استفاده مؤثر از نتایج آن را، مطابق به احکام قانون، تعمیم می بخشد.

ماده چهل و هشتم: کار حق هر افغان است. تعیین ساعات کار، رخصتی با مزد، حقوق کار و کارگر و سایر امور مربوط به آن توسط قانون تنظیم می گردد.

انتخاب شغل و حرفه، در حدود احکام قانون، آزاد می باشد.

ماده چهل و نهم: تحمیل کار اجباری ممنوع است. سهم گیری فعال در حالت جنگ، آفات و سایر حالاتی که حیات و آسایش عامه را تهدید کند، از وجایب ملی هر افغان می باشد. تحمیل کار بر اطفال جواز ندارد.

ماده پنجاهم: دولت مکلف است به منظور ایجاد اداره سالم و تحقق اصلاحات در سیستم اداری کشور تدابیر لازم اتخاذ نماید. اداره اجراءات خود را با بیطرفی کامل و مطابق به احکام قانون عملی می سازد.

اتباع افغانستان حق دسترسی به اطلاعات از ادارات دولتی را در حدود احکام قانون دارا می باشند. این حق جز صدمه به حقوق دیگران و امنیت عامه حدودی ندارد.

اتباع افغانستان بر اساس اهلیت و بدون هیچگونه تبعیض و به موجب احکام قانون به خدمت دولت پذیرفته می شوند.

ماده پنجاه و یکم: هر شخص که از اداره بدون موجب متضرر شود مستحق جبران خساره می باشد و می تواند برای حصول آن در محکمه دعوا اقامه کند.

به استثنای حالاتی که در قانون تصریح گردیده است، دولت نمی تواند بدون حکم محکمه با صلاحیت به تحصیل حقوق خود اقدام کند.

ماده پنجاه و دوم: دولت وسایل وقایه و علاج امراض و تسهیلات صحی رایگان را برای همه اتباع مطابق به احکام قانون تأمین می نماید.

دولت تأسیس و توسعه خدمات طبی و مراکز صحی خصوصی را مطابق به احکام قانون تشویق و حمایت می کند. دولت به منظور تقویت تربیت بدنی سالم و انکشاف ورزشهای ملی و محلی تدابیر لازم اتخاذ می نماید.

ماده پنجاه و سوم: دولت به منظور تنظیم خدمات طبی و مساعدت مالی برای بازماندگان شهداء و مفقودین و برای بازتوانی معلولین و معیوبین و سهم گیری فعال آنان در جامعه، مطابق به احکام قانون، تدابیر لازم اتخاذ می نماید.

دولت حقوق متقاعدین را تضمین نموده، برای کهن سالان، زنان بی سرپرست، معیوبین و معلولین و ایتم بی بضاعت مطابق به احکام قانون کمک لازم به عمل می آورد.

ماده پنجاه و چهارم: خانواده رکن اساسی جامعه را تشکیل می دهد و مورد حمایت دولت قرار دارد.

دولت به منظور تأمین سلامت جسمی و روحی خانواده، بالاخص طفل و مادر، تربیت اطفال و برای از بین بردن رسوم مغایر با احکام دین مقدس اسلام تدابیر لازم اتخاذ می کند.

ماده پنجاه و پنجم: دفاع از وطن وجیبه تمام اتباع افغانستان است. شرایط اجرای دوره مکلفیت عسکری توسط قانون تنظیم می گردد. ماده پنجاه و ششم: پیروی از احکام قانون اساسی، اطاعت از قوانین و رعایت نظم و امن عامه وجیبه تمام مردم افغانستان است. بی خبری از احکام قانون عذر دانسته نمی شود.

ماده پنجاه و هفتم: دولت حقوق و آزادی های اتباع خارجی را در افغانستان، طبق قانون تضمین می کند. این اشخاص در حدود قواعد حقوق بین المللی به رعایت قوانین دولت افغانستان مکلف می باشند.

ماده پنجاه و هشتم: دولت به منظور نظارت بر رعایت حقوق بشر در افغانستان و بهبود و حمایت از آن، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان را تأسیس می نماید.

هر شخص می تواند در صورت نقض حقوق بشری خود، به این کمیسیون شکایت نماید.

کمیسیون می تواند موارد نقض حقوق بشری افراد را به مراجع قانونی راجع سازد و در دفاع از حقوق آنها مساعدت نماید.

تشکیل و طرز فعالیت این کمیسیون توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده پنجاه و نهم: هیچ شخص نمی تواند با سوء استفاده از حقوق و آزادیهای مندرج این قانون اساسی، بر ضد استقلال، تمامیت ارضی، حاکمیت و وحدت ملی عمل کند.

فصل سوم **رییس جمهور**

ماده های قانون اساسی

ماده شصتم: رئیس جمهور در رأس دولت جمهوری اسلامی افغانستان قرار داشته، صلاحیت های خود را در عرصه های اجراییه، تقنینیه و قضائیه، مطابق به احکام این قانون اساسی، اعمال می کند.

رئیس جمهور دارای دو معاون، اول و دوم، می باشد. کاندید ریاست جمهوری نام هر دو معاون را همزمان با کاندید شدن خود به ملت اعلام میدارد.

معاون اول رئیس جمهور در حالت غیاب، استعفا و یا وفات رئیس جمهور، مطابق به احکام مندرج این قانون اساسی، عمل می کند. در غیاب معاون اول رئیس جمهور، معاون دوم مطابق به احکام مندرج این قانون اساسی عمل می کند.

ماده شصت و یکم: رئیس جمهور با کسب اکثریت بیش از پنجاه فی صد آرای رأی دهندگان از طریق رأی گیری آزاد، عمومی، سری و مستقیم انتخاب میگردد.

وظیفه رئیس جمهور در اول جوزای سال پنجم بعد از انتخابات پایان می یابد.

انتخابات به منظور تعیین رئیس جمهور جدید در خلال مدت سی الی شصت روز قبل از پایان کار رئیس جمهور برگزار میگردد.

هرگاه در دور اول هیچ یک از کاندیدان نتواند اکثریت بیش از پنجاه فیصد آرا را بدست آورد، انتخابات برای دور دوم در ظرف دو هفته از تاریخ اعلام نتایج انتخابات برگزار می گردد و دراین دور تنها دو نفر از کاندیدانی که بیشترین آرا را در دور اول بدست آورده اند، شرکت می نمایند.

در دور دوم انتخابات، کاندیدی که اکثریت آرا را کسب کند، رئیس جمهور شناخته می شود.

هرگاه یکی از کاندیدان ریاست جمهوری در جریان دور اول یا دوم رأی گیری و یا بعد از انتخابات و قبل از اعلام نتایج انتخابات وفات نماید، انتخابات مجدد مطابق به احکام قانون برگزار می گردد.

ماده شصت و دوم: شخصی که به ریاست جمهوری کاندید می شود، واجد شرایط ذیل می باشد:

۱. تبعه افغانستان، مسلمان و متولد از والدین افغان بوده و تابعیت کشور دیگری را نداشته باشد؛

۲. در روز کاندید شدن سن وی از چهل سال کمتر نباشد؛

۳. از طرف محکمه به ارتکاب جرایم ضد بشری، جنایت و یا حرمان از حقوق مدنی محکوم نشده باشد.

هیچ شخص نمی تواند بیش از دو دوره به حیث رئیس جمهور انتخاب گردد.
حکم مندرج این ماده در مورد معاونین رئیس جمهور نیز تطبیق می گردد.
ماده شصت و سوم: رئیس جمهور قبل از تصدی وظیفه، مطابق به طرز العمل خاص که توسط قانون تنظیم می گردد، حلف آتی را بجا می آورد:

بسم الله الرحمن الرحيم

" به نام خداوند بزرگ (ج) سوگند یاد می کنم که دین مقدس اسلام را اطاعت و از آن حمایت کنم. قانون اساسی و سایر قوانین را رعایت و از تطبیق آن مواظبت نمایم. از استقلال، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی افغانستان حراست و حقوق و منافع مردم افغانستان را حفاظت کنم و با استعانت از بارگاه پروردگار متعال و پشتیبانی ملت، مساعی خود را در راه سعادت و ترقی مردم افغانستان بکار برم."
ماده شصت و چهارم: رئیس جمهور دارای صلاحیت ها و وظایف ذیل می باشد:

۱. مراقبت از اجرای قانون اساسی؛
۲. تعیین خطوط اساسی سیاست کشور به تصویب شورای ملی؛
۳. قیادت اعلاى قوای مسلح افغانستان؛
۴. اعلان حرب و متارکه به تأیید شورای ملی؛
۵. اتخاذ تصمیم لازم در حالت دفاع از تمامیت ارضی و حفظ استقلال؛
۶. فرستادن قطعات قوای مسلح به خارج افغانستان به تأیید شورای ملی؛
۷. دایر نمودن لویه جرگه به استثنای حالت مندرج ماده شصت و نهم این قانون اساسی؛
۸. اعلان حالت اضطرار به تأیید شورای ملی و خاتمه دادن به آن؛
۹. افتتاح اجلاس شورای ملی و لویه جرگه؛
۱۰. قبول استعفای معاونین ریاست جمهوری؛
۱۱. تعیین وزرا، لوی سارنوال، رئیس بانک مرکزی، رئیس امنیت ملی و رئیس سره میاشت به تأیید ولسی جرگه و عزل و قبول استعفای آنها؛
۱۲. تعیین رئیس و اعضای ستره محکمه به تأیید ولسی جرگه؛
۱۳. تعیین، تقاعد، قبول استعفاء و عزل قضات، صاحب منصبان قوای مسلح، پولیس و امنیت ملی و مامورین عالی رتبه مطابق به احکام قانون؛

۱۴. تعیین سران نمایندگی های سیاسی افغانستان نزد دول خارجی و مؤسسات بین المللی؛
۱۵. قبول اعتماد نامه های نمایندگان سیاسی خارجی در افغانستان؛
۱۶. توشیح قوانین و فرامین تقنینی؛
۱۷. اعطای اعتبارنامه به غرض عقد معاهدات بین الدول مطابق به احکام قانون؛
۱۸. تخفیف و عفو مجازات مطابق به احکام قانون؛
۱۹. اعطای مدالها، نشان ها و القاب افتخاری مطابق به احکام قانون؛
۲۰. تأسیس کمیسیون ها به منظور بهبود اداره کشور مطابق به احکام قانون؛
۲۱. سایر صلاحیت ها و وظایف مندرج این قانون اساسی.
- ماده شصت و پنجم: رئیس جمهور می تواند در موضوعات مهم ملی سیاسی، اجتماعی و یا اقتصادی به آرای عمومی مردم افغانستان مراجعه نماید.
- مراجعه به آرای عمومی نباید مناقض احکام این قانون اساسی و یا مستلزم تعدیل آن باشد.
- ماده شصت و ششم: رئیس جمهور در اعمال صلاحیت های مندرج این قانون اساسی، مصالح علیای مردم افغانستان را رعایت می کند.
- رئیس جمهور نمی تواند بدون حکم قانون ملکیت های دولتی را بفروشد یا اهدا کند.
- رئیس جمهور نمی تواند در زمان تصدی وظیفه از مقام خود به ملحوظات لسانی، سمتی، قومی، مذهبی و حزبی استفاده نماید.
- ماده شصت و هفتم: در صورت استعفا، عزل یا وفات رئیس جمهور ویا مریضی صعب العلاج که مانع اجراء وظیفه شود، معاون اول رئیس جمهور صلاحیت ها و وظایف رئیس جمهور را به عهده می گیرد.
- رئیس جمهور استعفای خود را شخصاً به شورای ملی اعلام می نماید.
- تثبیت مریضی صعب العلاج توسط هیئت طبی با صلاحیت که از طرف ستره محکمه تعیین می گردد صورت می گیرد.
- درین حالات در خلال مدت سه ماه انتخابات به منظور تعیین رئیس جمهور جدید طبق ماده شصت و یکم این قانون اساسی برگزار می گردد.

معاون اول رئیس جمهور در زمان تصدی به حیث رئیس جمهور موقت امور ذیل را انجام داده نمی تواند:

۱. تعدیل قانون اساسی؛

۲. عزل وزرا؛

۳. مراجعه به آراء عامه.

معاونین رئیس جمهور می توانند مطابق به احکام این قانون اساسی خود را به ریاست جمهوری کاندید نمایند.

در صورت غیاب رئیس جمهور، وظایف معاون اول توسط رئیس جمهور تعیین می گردد.

ماده شصت و هشتم: هرگاه یکی از معاونین رئیس جمهور استعفاء و یا وفات نماید عوض وی شخص دیگری توسط رئیس جمهور به تأیید ولسی جرگه تعیین می گردد.

در صورت وفات همزمان رئیس جمهور و معاون اول وی، بالترتیب معاون دوم، رئیس مشرانو جرگه، رئیس ولسی جرگه و وزیر خارجه یکی بعد دیگری مطابق به حکم مندرج ماده شصت و هفتم این قانون اساسی وظایف رئیس جمهور را به عهده می گیرد.

ماده شصت و نهم: رئیس جمهور در برابر ملت و ولسی جرگه مطابق به احکام این ماده مسوول می باشد.

اتهام علیه رئیس جمهور به ارتکاب جرایم ضد بشری، خیانت ملی یا جنایت از طرف یک ثلث کل اعضای ولسی جرگه تقاضا شده می تواند.

در صورتیکه این تقاضا از طرف دوثلث کل آرای ولسی جرگه تأیید گردد، ولسی جرگه در خلال مدت یک ماه لویه جرگه را دایر مینماید.

هرگاه لویه جرگه اتهام منسوب را به اکثریت دو ثلث آرای کل اعضا تصویب نماید، رئیس جمهور از وظیفه منفصل و موضوع به محکمه خاص متشکل است از رئیس مشرانو جرگه، سه نفر از اعضای ولسی جرگه و سه نفر از اعضای ستره محکمه به تعیین لویه جرگه. اقامه دعوی توسط شخصیکه از طرف لویه جرگه تعیین می گردد صورت می گیرد.

در این حالت احکام مندرج ماده شصت و هفتم این قانون اساسی تطبیق می گردد.

ماده هفتادم: معاش و مصارف رئیس جمهور توسط قانون تنظیم می گردد.

رئیس جمهور بعد از ختم دوره خدمت، باستثنای حالت عزل، برای بقیه مدت حیات از حقوق مالی دوره ریاست جمهوری مطابق به احکام قانون مستفید می شود

فصل چهارم حکومت

ماده های قانون اساسی

ماده هفتاد و یکم: حکومت متشکل است از وزرا که تحت ریاست رئیس جمهور اجرای وظیفه می نمایند.
تعداد وزرا و وظایف شان توسط قانون تنظیم می گردد.
ماده هفتاد و دوم: شخصی که به حیث وزیر تعیین می شود واجد شرایط ذیل میباشد:
۱. تنها حامل تابعیت افغانستان باشد.
هرگاه کاندید وزارت تابعیت کشور دیگری را نیز داشته باشد، ولسی جرگه صلاحیت تأیید و یا رد آنرا دارد؛
۲. دارای تحصیلات عالی، تجربه کاری و شهرت نیک باشد؛
۳. سن وی از سی و پنج سال کمتر نباشد؛
۴. از طرف محکمه به ارتکاب جرایم ضد بشری، جنایت ویا حرمان از حقوق مدنی محکوم نشده باشد.
ماده هفتاد و سوم: وزرا می توانند از اعضای شورای ملی یا خارج از آن تعیین شوند.
هرگاه عضو شورای ملی به حیث وزیر تعیین شود، عضویت خود را در شوری از دست می دهد و در عوض وی شخص دیگری مطابق به حکم قانون تعیین می گردد.
ماده هفتاد و چهارم: وزرا قبل از تصدی وظیفه حلف آتی را به حضور رئیس جمهور، بجا می آورند.

بسم الله الرحمن الرحيم

" بنام خداوند بزرگ (ج) سوگند یاد می کنم که دین مقدس اسلام را حمایت، قانون اساسی و سایر قوانین افغانستان را رعایت، حقوق اتباع را حفاظت و از استقلال، تمامیت ارضی و وحدت ملی مردم افغانستان حراست کنم و در همه اعمال خود خداوند بزرگ (ج) را حاضر دانسته، وظایف محوله را صادقانه انجام دهم."
ماده هفتاد و پنجم: حکومت دارای وظایف ذیل می باشد:

۱. تعميل احكام اين قانون اساسى و ساير قوانين و فيصله هاى قطعى محاكم؛
 ۲. حفظ استقلال، دفاع از تماميت ارضى و صيانت منافع و حيثيت افغانستان در جامعه بين المللى؛
 ۳. تأمين نظم و امن عامه و از بين بردن هر نوع فساد ادارى؛
 ۴. ترتيب بودجه، تنظيم وضع مالى دولت و حفاظت دارايى عامه؛
 ۵. طرح و تطبيق پروگرامهاى انكشافى اجتماعى، فرهنگى، اقتصادى و تكنالوژيكى؛
 ۶. ارائه گزارش به شوراى ملى در ختم سال مالى در باره امور انجام شده و پروگرام هاى عمده سال مالى جديد؛
 ۷. انجام ساير وظائفى كه به موجب اين قانون اساسى و قوانين ديگر از وظائف حكومت دانسته شده است.
- ماده هفتاد و ششم: حكومت براى تطبيق خطوط اساسى سياست كشور و تنظيم وظائف خود مقررات وضع و تصويب مى كند. اين مقررات بايد مناقض نص يا روح هيچ قانون نباشد.
- ماده هفتاد و هفتم: وزرا وظائف خود را به حيث آمرين واحد هاى ادارى در داخل حدودى كه اين قانون اساسى و ساير قوانين تعيين مى كند، اجرا مى نمايند.
- وزرا از وظائف مشخصه خود نزد رئيس جمهور و ولسى جرگه مسئوليت دارند.
- ماده هفتاد و هشتم: هرگاه وزير به ارتكاب جرايم ضد بشرى، خيانت ملى و يا ساير جرايم متهم گردد، قضيه با رعايت ماده يكصد و سى و چهارم اين قانون اساسى به محكمه خاص محول مى گردد.
- ماده هفتاد و نهم: حكومت مى تواند در حالت تعطيل ولسى جرگه در صورت ضرورت عاجل، به استثنائى امور مربوط به بودجه و امور مالى، فرامين تقينى را ترتيب كند.
- فرامين تقينى بعد از توشيح رئيس جمهور حكم قانون را حايز مى شود. فرامين تقينى بايد در خلال ۳۰ روز از تاريخ انعقاد نخستين جلسه شوراى ملى به آن تقديم شود.
- و در صورتيكه از طرف شوراى ملى رد شود، از اعتبار ساقط مى گردد.
- ماده هشتادم: وزرا نمى توانند در زمان تصدى وظيفه از مقام خود به ملحوظات لسانى، سمتى، قومى، مذهبى و حزبى استفاده نمايند.

فصل پنجم شوراى ملى

در رابطه به شوراي ملي رهنمون آموزشي جدا گانه چاپ شده است.

فصل ششم لویه جرگه

پیش از اینکه که به بحث روی ماده های قانون اساسی در رابطه به لویه جرگه پرداخته شود بهتر آن است تا اطلاعاتی در رابطه به جرگه ها، چگونه گئی تاریخی آن ها جهت آگاهی بیشتر آموزگاران ارائه شود.

جرگه ها ولویه جرگه ها در افغانستان (الف) جرگه :

هر اجلاسی که برای نظر خواهی، مشورت و تصمیم گیری در باره مسایل مختلف قومی، محلی و ملی برگزار شود جرگه نامیده میشود. آنچه جرگه را از نشستها و گرد همایی های دیگر جدا میسازد محتوا، شیوه کار و منظور آن میباشد.

محتوای جرگه :

جرگه یک ارگان مردمی است، فیصله های مهم و عمومی طبق آرای عامه اتخاذ میگردد. از اینرو برخی آن را نوعی رفراندم یا همه پرسی نیز خوانده اند.

هدف از تشکیل جرگه ها چاره جویی برای رسیده گئی و تصمیم گیری همگانی در مورد یک مسأله یا مسایل مختلف سیاسی، اجتماعی است.

شیوه کار :

کار جرگه بسیار ساده است. معمولاً یک فرد اداره آنرا به عهده میگیرد و موضوع خاصی را به همه پرسشی میگذارد تا شرکت کننده گان روی آن بحث نمایند. در پایان با توافق کلی به تصمیم مشترکی می رسند این تصمیم سر انجام به مثابه یک فیصله قومی، محلی و ملی عملی میگردد.

جرگه نه زمان معین دارد و نه جای معین : جرگه بنا بر نیاز های سیاسی و اجتماعی دایر میگردد و پس از پایان کار، خود بخود منحل میگردد. میتوان گفت که جرگه در هر زمان و هر جایی که یک امر سیاسی یا اجتماعی ایجاب آنرا کند تشکیل میشود. اعضای جرگه را موسفیدان، بزرگان اقوام و شخصیت های با تجربه تشکیل میدهند.

در افغانستان هنوز هم جرگه یک راهگشای سیاسی، اجتماعی شمرده میشود و از کار آیی خوبی بر خوردار است در مورد بهره برداری سیاسی از جرگه ها مباحثاتی موجود است. زیرا در بعضی موارد به حیث وسیله یی جهت مشروعیت بخشیدن به خواست های از پیش

تعیین شده دولت های حاکم مورد استفاده قرار گرفته است و اعتبار آنرا زیر سوال میبرد .

(ب) جرگه های خورد و بزرگ در افغانستان
جرگه ها در افغانستان سه نوع می باشند :
جرگه های محلی ، جرگه های قومی و جرگه های ملی .
در جرگه های محلی بعضاً مأمورین محلی خیر اندیش نیز اشتراک کرده و به حل و فصل مسایل مربوط، به مشوره میپرداختند .
جرگه های قومی یک و یا چند قوم را در بر میگیرد . این جرگه ها در مواردی مانند برخورد های قومی و یا بروز اختلافات قومی و همچنان مسایل مهمی که تصمیم گیری و تلاش مشترک را ایجاب میکند تشکیل میشود.

این نوع جرگه ها که در افغانستان بسیار معمول میباشد عالی ترین ارگان تصمیم گیری درمحل هستند .

جرگهء ملی یا لویه جرگه، بزرگترین مجمع از بزرگان ، علما ، روحانیون و شخصیت های قومی و اجتماعی کشور است و برای حل مسایل بحرانی در سطح افغانستان تشکیل میشود و اکثرآز سوی پادشاه یا رئیس جمهور فراخوانده شده و اعضای آن میتوانند هم انتخابی و هم انتصابی باشند .

(ج) انتخاب و انتصاب در جرگه ها
ترکیب سنتی جرگه های بزرگ ملی دو نوع است : اعضای انتخابی و اعضای انتصابی .

اعضای انتخابی به نماینده گی از مردم و اعضای انتصابی به نماینده گی از شاه یا رئیس جمهور تعیین میگردند . شماری اعضای انتخابی و انتصابی هیچ معیاری ندارد . همانطوری که اعضای یک جرگه ، مدت ، زمان ، جای و موضوع آن تابع هیچ معیاری نیست ، تعداد انتخابی و انتصابی آن هم معیار مشخصی ندارد و بعد از حل مشکل خود بخود منحل میشود .

گاهی دیده شده است که اعضا و نماینده گی های کشور های خارجی نیز در آن بحیث ناظران شرکت کرده اند . چنانچه در جرگه بزرگ ۱۳۰۹ خورشیدی در دوره محمد نادر خان ۱۹ نفر از نماینده گان کشور های خارجی شرکت کرده بودند . اما این ناظران خارجی حق رأی و ابراز نظر را ندارند .

(د) جرگه ها و نماینده گی مردم

اصولاً در جرگه های بزرگ ملی ، بنا بر نماینده گی سراسری از همه طبقات ، اقشار ، اقوام و قبایل نماینده وجود داشته است . این اصل قانونی ادعای مجلس شورای ملی نیز است . اما در حالی که در مجلس شورای ملی نماینده گان تمام کشور بر اساس تقسیمات اداری انتخاب شده اند ، در جرگه ها با در نظر داشت مشخصه تقسیمات اداری ، معیا های دیگری نیز است . لویه جرگه به اساس همین ویژه گی ها فراگیرتر از مجلس شورای ملی، می باشد. چون در آن حقایق زیر نقش عمده وسازنده دارند .

۱- اقوام

افغانستان یک کشور چندین قومی است . عنصر قوم و قبيله در جامعه افغانستان بسیار حساس ومهم بوده ومهمترین پایه جرگه ها را میسازد .

۲- مذهب

مذهب در افغانستان یک عامل بنیادی ومحرک اجتماعی است ورهبران مذهبی در آن از نفوذ بسیار برخوردارند . چون هدف اصلی هر جرگه کسب مشروعیت وجستجوی راه حل ها برای معضلات سیاسی اجتماعی است . از اینرو نقش رهبران مذهبی در این جرگه ها بسیار تعیین کننده میباشد .

۳- دهکده

در افغانستان هنوز هم قدرت ازدهکده سر چشمه میگردد وشهر ها کاملاً از نفوذ دهکده خارج نشده اند .

۴- سنت

از نظر محتوا ، جرگه بیشتر بر سنتهای اجتماعی اتکا دارد وسنتهای اجتماعی مردم بسیار جدی وحساس میباشد. از اینرو معیار قوم ، مذهب ، دهکده وسنت در انتخاب جرگه های ملی بسیار تعیین کننده است ، اما جرگه ملی از سال ۱۳۴۳ خورشیدی معیار جنسیت را نیز در انتخاب اعضای جرگه پذیرفته است . برای نمونه در جرگه ملی ۱۳۴۳ خورشیدی برای نخستین بار شش تن از زن نیز اشتراک داشتند ، هر چند این زنان شهری بودند ، اما نشانه یی است از دگر گونی در معیار انتخاب اعضای جرگه های ملی به تدریج در طول زمان به تعداد نماینده گان افزایش به عمل می آید . چنانچه در لویه جرگه اضطراری

که بعد از توافقات بن در جون (۲۰۰۲م) تشکیل گردید، بیشتر از ۲۰۰ زن عضویت داشتند.

سیر تاریخی جرگه در افغانستان

الف: جرگه های باستانی

در بحث جرگه های باستانی میتوان از سبها که به معنی مجلس یا جرگه یاد شده وهمچنان جرگه سیمتی نام برد.

۱- سبها (مجلس یا جرگه)

از زمانه های بسیار دور باشنده گان این سر زمین در مورد زنده گی اجتماعی وامورقبیله یی خود جرگه ها ومجالس را تدویر میکردند. سبها مجلسی بود که در دهکده ها تشکیل میشد، در آن رویداد های کوچک اجتماعی وسیاسی دهکده حل وفصل میگردد. سبها در زبان قدیم آریایی به معنای مجلس میباشد. واین رسم از قدیم در میان اقوام آریایی معمول بوده ومجالس خود را به نام سبها یعنی جرگه یاد کرده اند.

۲- جرگه سیمتی

طوایف وقبایل آریایی در پهلوی سبها دارای یک نوع جرگه قومی دیگر نیز بودند که به نام سیمتی (Simathy) یاد میشد؛ ولی مانند سبها همه مردم در آن اشتراک کرده نمی توانستند.

جرگهء قومی سیمتی که در آن ریشی ها (دانشمندان، نجبا و اعیان قوم) گرد هم می آمدند ودر مورد مسایل بحث میکردند، چنانچه در سرود های ریگویدا آمده است که: ای اندرا! تو کسانی که اسپ ها وعراده ها ورمه ها ودارایی دارند در مجلس سیمتی داخل میکنی، شاه در جامعهء آریانای قدیم توسط مجلس سیمتی انتخاب میشد؛ ولی طوری که از سروده های ریگویدا بر می آید سبها در انتخاب شاه بی تأثیر بوده است.

۳- جرگهء بزرگ عصر کنشکا

یکی از جرگه های باستانی در قرن دوم میلادی در عصر کوشانی ها تدویر گردید که در آن (۵۰۰) نفر از علمای آن وقت اشتراک داشتند. تمام فیصله های این جرگه جمع آوری وتدوین شد، بعداً این فیصله ها وتصاویر به امر کنشکا روی لوحهء مسی نوشته وآن لوحه ها در صندوق های مسی نگهداری شدند.

۴- جرگهء سال (۲۵۶خورشیدی مطابق ۹۷۷م) شهر غزنی

این جرگه بزرگ وتاریخی در شهر غزنی بنا بر ضرورت ولزوم دید اراکین دولت وسران سپاه منعقد گردید ودر نتیجه آن ناصر الدین سبکتگین به حیث پاد شاه انتخاب شد .

ب : لویه جرگهء سال (۱۰۸۸خورشیدی مطابق ۱۷۰۹م) شهر قندهار

این جرگه به صورت مخفی در منطقهء مانجه در شمال شهر قندهار دایر شد در این جرگهء بزرگ ملی ،تصمیم گرفته شد که گرگین از بین برده شود وآزادی اعلان گردد . در این جرگه وظایف رهبران وقبایل متعلقهء شان تعیین شد تا برای حفظ آزادی ومقابله با هر گونه پیش آمد در مقابل دولت صفوی آماده گردند .

ج : لویه جرگهء سال (۱۰۹۶خورشیدی مطابق ۱۷۱۷م) شهر هرات

جرگهءسال ۱۰۹۶خورشیدی هرات در موقع حساس تاریخی کشور دایر گردید که وطن ما در خطر خانه جنگی ها قرار داشت و با استفاده از این خانه جنگی ها ،تهدید خارجی به وطن ما متوجه بود . در این جرگه تجویز وتوصیه گردید که اقوام باید از خانه جنگی دست کشیده ویک بار دیگر آرامش نسبی برقرار گردد .

لویه جرگهء قانون اساسی

لویه جرگه یک مجمع ممثل ارادهء مردم افغانستان به منظور توافق روی قانون اساسی کشور میباشد که وظایف آن مرور بر مسوده وتصویب آن خواهد بود . لویه جرگه در نهم ماه میزان ۱۳۸۲هجری شمسی (اول اکتوبر ۲۰۰۳میلادی) دایر وبه تاریخ سوم ماه عقرب سال ۱۳۸۲هجری شمسی (۲۵ماه اکتوبر ۲۰۰۳ میلادی)خاتمه یافت .

ماده های قانون اساسی در رابطه به لویه جرگه
ماده یکصد و دهم: لویه جرگه عالی ترین مظهر اراده مردم افغانستان
می باشد.
لویه جرگه متشکل است از:
۱. اعضای شورای ملی؛
۲. روسای شورا های ولایات و ولسوالی ها.
وزرا، رئیس و اعضای ستره محکمه و لوی سارنوال می توانند در
جلسات لویه جرگه بدون حق رأی اشتراک ورزند.
ماده یکصد و یازدهم: لویه جرگه در حالات زیر دایر می گردد:
۱. اتخاذ تصمیم در مورد مسایل مربوط به استقلال، حاکمیت ملی،
تمامیت ارضی و مصالح علیای کشور؛
۲. تعدیل احکام این قانون اساسی؛
۳. محاکمه رئیس جمهور مطابق به حکم مندرج ماده شصت و نهم این
قانون اساسی.
ماده یکصد و دوازدهم: لویه جرگه در اولین جلسه، از میان اعضا یک نفر
را به حیث رئیس و یک نفر را بحیث معاون و دو نفر را بحیث منشی و
نایب منشی انتخاب می کند.
ماده یکصد و سیزدهم: نصاب لویه جرگه هنگام رای دهی، با حضور
اکثریت اعضا تکمیل می گردد.
تصمیم لویه جرگه، جز در مواردی که در این قانون اساسی صریحاً ذکر
گردیده، با اکثریت آرای کل اعضا اتخاذ می گردد.
ماده یکصد و چهاردهم: مباحثات لویه جرگه علنی می باشد مگر اینکه
یک ربع اعضا سری بودن آنرا درخواست نمایند و لویه جرگه این
درخواست را بپذیرد.
ماده یکصد و پانزدهم: در هنگام دایر بودن لویه جرگه، احکام مندرج مواد
یکصد و یکم و یکصد و دوم این قانون اساسی، در مورد اعضای آن
تطبیق می گردد.

فصل هفتم قضاً

مادة های قانون اساسی

مادة یکصد و شانزدهم: قوه قضائیه رکن مستقل دولت جمهوری اسلامی افغانستان می باشد.

قوه قضائیه مرکب است از یک ستره محکمه، محاکم استیناف و محاکم ابتدائیه که تشکیلات و صلاحیت آنها توسط قانون تنظیم می گردد.

ستره محکمه به حیث عالیترین ارگان قضائی در رأس قوه قضائیه جمهوری اسلامی افغانستان قرار دارد.

مادة یکصد و هفدهم: ستره محکمه مرکب است از نه عضو که از طرف رئیس جمهور با تأیید ولسی جرگه و با رعایت احکام مندرج فقره آخر مادة پنجاهم و مادة یکصد و هجدهم این قانون اساسی در آغاز به ترتیب ذیل تعیین میگردند:

سه نفر برای مدت چهار سال، سه نفر برای مدت هفت سال و سه نفر برای مدت ده سال.

تعیینات بعدی برای مدت ده سال می باشد.

تعیین اعضا برای بار دوم جواز ندارد.

رئیس جمهور یکی از اعضا را به حیث رئیس ستره محکمه تعیین می کند.

اعضای ستره محکمه به استثنای حالت مندرج مادة یکصد و بیست و هفتم این قانون اساسی، تا ختم دوره خدمت از وظایف شان عزل نمی شوند.

مادة یکصد و هجدهم: عضو ستره محکمه واجد شرایط ذیل می باشد:

۱. سن رئیس و اعضا در حین تعیین از چهل سال کمتر نباشد؛

۲. تبعه افغانستان باشد؛

۳. در علوم حقوقی و یا فقهی تحصیلات عالی و در نظام قضائی افغانستان تخصص و تجربه کافی داشته باشد؛

۴. دارای حسن سیرت و شهرت نیک باشد؛

۵. از طرف محکمه به ارتکاب جرایم ضد بشری، جنایت ویا حرمان از حقوق مدنی محکوم نشده باشد؛

۶. در حال تصدی وظیفه در هیچ حزب سیاسی عضویت نداشته باشد.

مادة یکصد و نهم: اعضای ستره محکمه قبل از اشغال وظیفه حلف آتی را در حضور رئیس جمهور بجا می آورند:

بسم الله الرحمن الرحيم

" بنام خداوند بزرگ (ج) سوگند یاد می کنم که حق و عدالت را بر طبق احکام دین مقدس اسلام، نصوص این قانون اساسی و سایر قوانین افغانستان تأمین نموده، وظیفه قضا را با کمال امانت، صداقت و بیطرفی اجرا نمایم."

ماده یکصد و بیستم: صلاحیت قوه قضائیه شامل رسیدگی به تمام دعاوی است که از طرف اشخاص حقیقی یا حکمی، به شمول دولت به حیث مدعی یا مدعی علیه در پیشگاه محکمه مطابق به احکام قانون اقامه شود.

ماده یکصد و بیست و یکم: بررسی مطابقت قوانین، فرامین تقنینی، معاهدات بین الدول و میثاق های بین المللی با قانون اساسی و تفسیر آنها بر اساس تقاضای حکومت و یا محاکم، مطابق به احکام قانون از صلاحیت ستره محکمه می باشد.

ماده یکصد و بیست و دوم: هیچ قانون نمی تواند در هیچ حالت، قضیه یا ساحه یی را از دایره صلاحیت قوه قضائیه به نحوی که در این فصل تحدید شده، خارج بسازد و به مقام دیگر تفویض کند.

این حکم مانع تشکیل محاکم خاص مندرج مواد شصت و نهم، هفتاد و هشتم و یکصد و بیست و هفتم این قانون اساسی و محاکم عسکری در قضایای مربوط به آن نمی گردد.

تشکیل و صلاحیت این نوع محاکم توسط قانون تنظیم می گردد. ماده یکصد و بیست و سوم: با رعایت احکام این قانون اساسی، قواعد مربوط به تشکیل، صلاحیت و اجراءات محاکم و امور مربوط به قضات توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده یکصد و بیست و چهارم: در مورد مامورین و سایر کارکنان اداری قوه قضائیه، احکام قوانین مربوط به مامورین و سایر کارکنان اداری دولت نافذ می باشد ولی تقرر، انفکاک، ترفیع، تقاعد، مجازات و مکافات شان توسط ستره محکمه مطابق به احکام قانون صورت می گیرد.

ماده یکصد و بیست و پنجم: بودجه قوه قضائیه به مشوره حکومت از طرف ستره محکمه ترتیب گردیده، به حیث جزء بودجه دولت، توسط حکومت به شورای ملی تقدیم میشود.

تطبيق بودجه قوه قضائیه از صلاحیت ستره محکمه می باشد.

ماده یکصد و بیست و ششم: اعضای ستره محکمه بعد از ختم دوره خدمت برای بقیه مدت حیات از حقوق مالی دوره خدمت مستفید می شوند. مشروط بر اینکه به مشاغل دولتی و سیاسی اشتغال نوزند.

ماده یکصد و بیست و هفتم: هرگاه بیش از یک ثلث اعضای ولسی جرگه، محاکمه رئیس یا عضو ستره محکمه را بر اساس اتهام به جرم ناشی از اجرای وظیفه یا ارتکاب جنایت تقاضا نماید و ولسی جرگه این تقاضا را با اکثریت دو ثلث کل اعضا تصویب کند، متهم از وظیفه عزل و موضوع به محکمه خاص محول می گردد.

تشکیل محکمه و طرز العمل محاکمه، توسط قانون تنظیم می گردد. ماده یکصد و بیست و هشتم: در محاکم افغانستان، محاکمه بصورت علنی دایر می گردد و هر شخص حق دارد با رعایت احکام قانون در آن حضور یابد.

محکمه میتواند در حالاتی که در قانون تصریح گردیده، یا سری بودن محاکمه ضروری تشخیص گردد، جلسات سری دایر کند ولی اعلام حکم باید به هر حال علنی باشد.

ماده یکصد و بیست و نهم: محکمه مکلف است اسباب حکمی را که صادر می نماید، در فیصله ذکر کند. تمام فیصله های قطعی محاکم واجب التعمیل است مگر در حالت حکم به مرگ شخص که مشروط به منظوری رئیس جمهور می باشد.

ماده یکصد و سی ام: محاکم در قضایای مورد رسیدگی، احکام این قانون اساسی و سایر قوانین را تطبیق می کنند.

هرگاه برای قضیه پی از قضایای مورد رسیدگی، در قانون اساسی و سایر قوانین، حکمی موجود نباشد، محاکم به پیروی از احکام فقه حنفی و در داخل حدودی که این قانون اساسی وضع نموده، قضیه را به نحوی حل و فصل می نمایند که عدالت را به بهترین وجه تأمین نماید.

ماده یکصد و سی و یکم: محاکم برای اهل تشیع، در قضایای مربوط به احوال شخصیه، احکام مذهب تشیع را مطابق به احکام قانون تطبیق می نمایند.

در سایر دعاوی نیز اگر در این قانون اساسی و قوانین دیگر حکمی موجود نباشد، محاکم قضیه را مطابق به احکام این مذهب حل و فصل می نمایند.

ماده یکصد و سی و دوم: قضات به پیشنهاد ستره محکمه و منظوری رئیس جمهور تعیین می گردند.

تقرر، تبدل، ترفیع، مواخذه و پیشنهاد تقاعد قضات مطابق به احکام قانون از صلاحیت ستره محکمه می باشد.

ستره محکمه بمنظور تنظیم بهتر امور اجرایی و قضایی و تأمین اصلاحات لازم، آمریت عمومی اداری قوه قضاییه را تأسیس می نماید.

ماده یکصد و سی و سوم: هرگاه قاضی به ارتکاب جنایت متهم شود، ستره محکمه مطابق به احکام قانون به حالت قاضی رسیدگی نموده، پس از استماع دفاع او، در صورتیکه ستره محکمه اتهام را وارد بداند پیشنهاد عزلش را به رئیس جمهور تقدیم و با منظوری آن از طرف رئیس جمهور، قاضی متهم از وظیفه معزول و مطابق به احکام قانون مجازات می شود.

ماده یکصد و سی و چهارم: کشف جرایم، توسط پولیس و تحقیق جرایم و اقامه دعوا علیه متهم در محکمه، از طرف سارنوالی مطابق به احکام قانون صورت می گیرد.

سارنوالی جزء قوه اجرائیه و در اجراءات خود مستقل می باشد. تشکیل، صلاحیت و طرز فعالیت سارنوالی توسط قانون تنظیم می گردد.

کشف و تحقیق جرایم وظیفوی منسوبین قوای مسلح، پولیس و مؤظفین امنیت ملی، توسط قانون خاص تنظیم می گردد. ماده یکصد و سی و پنجم: اگر طرف دعوا زبانی را که محاکمه توسط آن صورت می گیرد، نداند، حق اطلاع به مواد و اسناد قضیه و صحبت در محکمه به زبان مادری توسط ترجمان برایش تأمین می گردد.

فصل هشتم اداره

ماده های قانون اساسی

ماده یکصد و سی و هشتم: اداره جمهوری اسلامی افغانستان بر اساس واحد های اداره مرکزی و ادارات محلی، طبق قانون، تنظیم می گردد. اداره مرکزی به یک عده واحد های اداری منقسم می گردد که در رأس هر کدام یک نفر وزیر قرار دارد. واحد اداره محلی، ولایت است.

تعداد، ساحه، اجزا و تشکیلات ولایات و ادارات مربوط، بر اساس تعداد نفوس، وضع اجتماعی و اقتصادی و موقعیت جغرافیایی توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده یکصد و سی و هفتم: حکومت با حفظ اصل مرکزیت به منظور تسریع و بهبود امور اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و سهم گیری هرچه بیشتر مردم در انکشاف حیات ملی، صلاحیت های لازم را مطابق به احکام قانون، به اداره محلی تفویض می نماید.

ماده یکصد و سی و هشتم: در هر ولایت یک شورای ولایتی تشکیل میشود.

اعضای شورای ولایتی، طبق قانون، به تناسب نفوس، از طریق انتخابات آزاد، عمومی، سری و مستقیم از طرف ساکنین ولایت برای مدت چهارسال انتخاب می گردند.

شورای ولایتی یک نفر از اعضای خود را به حیث رئیس انتخاب می نماید.

ماده یکصد و سی و نهم: شورای ولایتی در تأمین اهداف انکشافی دولت و بهبود امور ولایت به نحوی که در قوانین تصریح می گردد، سهم گرفته و در مسایل مربوط به ولایت مشوره می دهد.

شورای ولایتی وظایف خود را با همکاری اداره محلی اجرا می نماید. ماده یکصد و چهلم: برای تنظیم امور و تأمین اشتراک فعال مردم در اداره محلی، در ولسوالی ها و قریه ها، مطابق به احکام قانون، شورا ها تشکیل می گردند.

اعضای این شورا ها از طریق انتخابات آزاد، عمومی، سری و مستقیم از طرف ساکنین محل برای مدت سه سال انتخاب می شوند.

سهم گیری کوچیان در شورا های محلی مطابق به احکام قانون تنظیم می گردد.

ماده یکصد و چهل و یکم: برای اداره امور شهری، شاروالی تشکیل می شود.

شاروال و اعضای مجالس شاروالی، از طریق انتخابات آزاد، عمومی، سری و مستقیم انتخاب می شوند.

امور مربوط به شاروالی ها توسط قانون تنظیم می گردند.

ماده یکصد و چهل و دوم: دولت به مقصد تعميل احکام و تأمين ارزشهای مندرج اين قانون اساسی، ادارات لازم را تشکيل می نمايد

فصل نهم حالت اضطرار

ماده های قانون اساسی

ماده یکصد و چهل و سوم: هرگاه به علت جنگ، خطر جنگ، اغتشاش و خيم، آفات طبیعی و يا حالت مماثل، حفظ استقلال و حیات ملی از مجرایي که در قانون اساسی تعيين شده، نا ممکن گردد، حالت اضطرار از طرف رئيس جمهور با تأييد شورای ملی در تمام يا بعضی از ساحات کشور اعلان می شود.

هرگاه حالت اضطرار بيش از دو ماه دوام نمايد، برای تمديد آن، موافقت شورای ملی شرط است.

ماده یکصد و چهل و چهارم: در حالت اضطرار رئيس جمهور می تواند به مشوره رؤسای شورای ملی و ستره محکمه، بعضی از صلاحیت های شورای ملی را به حکومت انتقال دهد.

ماده یکصد و چهل و پنجم: در حالت اضطرار، رئيس جمهور می تواند بعد از تأييد رؤسای شورای ملی و ستره محکمه، تنفيذ احکام ذيل را معطل بسازد و يا بر آن قيودی وضع نمايد:

۱. فقره دوم ماده بیست و هفتم؛

۲. ماده سی و ششم؛

۳. فقره دوم ماده سی و هفتم؛

۴. فقره دوم ماده سی و هشتم.

ماده یکصد و چهل و ششم: در حالت اضطرار، قانون اساسی تعديل نمی شود.

ماده یکصد و چهل و هفتم: هرگاه دوره ریاست جمهوری و يا دوره تقنینیه شورای ملی در حالت اضطرار ختم شود، اجرای انتخابات جديد ملتوی گذاشته شده، مدت خدمت رئيس جمهور و اعضای شورای ملی تا چهار ماه تمديد می شود.

هرگاه حالت اضطرار بيش از چهار ماه دوام نمايد لويه جرگه از طرف رئيس جمهور دعوت می شود.

بعد از ختم حالت اضطرار، در خلال مدت دو ماه، انتخابات برگزار می گردد.

ماده یکصد و چهل و هشتم: در ختم حالت اضطرار، اقداماتی که بر اساس مواد یکصد و چهل و چهارم و یکصد و چهل و پنجم اين قانون اساسی به عمل آمده، بلا فاصله از اعتبار ساقط می گردند.

فصل دهم

تعدیل

ماده های قانون اساسی
ماده یکصد و چهل و نهم: اصل پیروی از احکام دین مقدس اسلام و نظام
جمهوری اسلامی تعدیل نمی شوند.
تعدیل حقوق اساسی اتباع صرف بمنظور بهبود حقوق آنان مجاز می
باشد.
تعدیل دیگر محتویات این قانون اساسی، نظر به تجارب و مقتضیات
عصر، با رعایت احکام مندرج مواد شصت و هفتم و یکصد و چهل و
ششم این قانون اساسی، با پیشنهاد رئیس جمهور یا اکثریت اعضای
شورای ملی صورت می گیرد.
ماده یکصد و پنجاهم: به منظور اجرای پیشنهاد تعدیل، هیئتی از بین
اعضای حکومت، شورای ملی و ستره محکمه به فرمان رئیس جمهور
تشکیل گردیده، طرح تعدیل را تهیه می کند.
برای تصویب تعدیل، لویه جرگه بر اساس فرمان رئیس جمهور و مطابق
به احکام فصل لویه جرگه دایر می گردد.
هرگاه لویه جرگه با اکثریت دو ثلث کل اعضا طرح تعدیل را تصویب
کند، بعد از توشیح رئیس جمهور نافذ می گردد.

فصل یازدهم احکام متفرقه

ماده های قانون اساسی

ماده یکصد و پنجاه و یکم: رئیس جمهور، معاونین رئیس جمهور، وزرا، رئیس و اعضای ستره محکمه، لوی سارنوال، رؤسای بانک مرکزی و امنیت ملی، والیان و شاروالها در مدت تصدی وظیفه نمی توانند هیچ معامله انتفاعی را با دولت انجام دهند.

ماده یکصد و پنجاه و دوم: رئیس جمهور، معاونین رئیس جمهور، وزرا، رؤسا و اعضای شورای ملی و ستره محکمه، لويسارنوالو قضاات نمی توادر مدت تصدی وظیفه به مشاغل دیگری اشتغال ورزند.

ماده یکصد و پنجاه و سوم: قضاات، سارنوالان، صاحب منصبان قوای مسلح و پولیس و منسوبین امنیت ملی، در مدت تصدی وظیفه نمی توانند در احزاب سیاسی عضویت داشته باشند.

ماده یکصد و پنجاه و چهارم: دارایی رئیس جمهور، معاونین رئیس جمهور، وزرا، اعضای ستره محکمه و لويسارنوالقبل و بعد از دوره خدمت، توسط ارگانی که در قانون تعیین می گردد، ثبت، رسیدگی و نشر می شود.

ماده یکصد و پنجاه و پنجم: برای معاونین رئیس جمهور، وزرا، رؤسا و اعضای شورای ملی و ستره محکمه، قضاات و لويسارنوالمطابق به احکام قانون معاش مناسب تعیین می گردد.

ماده یکصد و پنجاه و ششم: کمیسیون مستقل انتخابات برای اداره و نظارت بر هر نوع انتخابات و مراجعه به آرای عمومی مردم در کشور مطابق به احکام قانون تشکیل می گردد.

ماده یکصد و پنجاه و هفتم: کمیسیون مستقل نظارت بر تطبیق قانون اساسی مطابق به احکام قانون تشکیل می گردد.

اعضای این کمیسیون از طرف رئیس جمهور به تأیید ولسی جرگه تعیین می گردند.

فصل دوازدهم احکام انتقالی

ماده های قانون اساسی

ماده یکصد و پنجاه و هشتم: لقب بابای ملت و امتیازاتی که توسط لویه جرگه اضطراری سال یکهزار و سه صد و هشتاد و یک هجری شمسی به اعلیحضرت محمد ظاهر شاه، پادشاه سابق افغانستان، اعطا شده است با رعایت احکام این قانون اساسی مادام الحیات برای ایشان محفوظ می باشد.

ماده یکصد و پنجاه و نهم: مدت بعد از نفاذ این قانون اساسی تا تاریخ افتتاح شورای ملی، دوره انتقال شمرده می شود. دولت انتقالی اسلامی افغانستان، در دوره انتقال، وظایف ذیل را انجام می دهد:

۱. اصدار فرامین تقنینی مربوط به انتخابات ریاست جمهوری، شورای ملی و شورا های محلی، در مدت شش ماه؛

۲. اصدار فرامین در مورد تشکیلات و صلاحیت محاکم و آغاز کار روی قانون تشکیلات اساسی در خلال مدت کمتر از یکسال؛

۳. تشکیل کمیسیون مستقل انتخابات؛

۴. انجام اصلاحات لازم به منظور تنظیم بهتر امور اجرایی و قضایی؛

۵. اتخاذ تدابیر لازم جهت آماده ساختن زمینه برای تطبیق احکام این قانون اساسی.

ماده یکصد و شصتم: اولین رئیس جمهور منتخب، سی روز بعد از اعلام نتایج انتخابات، مطابق به احکام این قانون اساسی به کار آغاز می کند.

کوشش هم جانبه صورت می گیرد تا اولین انتخابات رئیس جمهور و شورای ملی با هم در یک وقت صورت بگیرد.

صلاحیت های شورای ملی مندرج در این قانون اساسی تا زمان تأسیس این شوری به حکومت تفویض میشود و ستره محکمه مؤقت به فرمان رئیس جمهور تشکیل می گردد.

ماده یکصد و شصت و یکم: شورای ملی، وظایف و صلاحیت های خود را به مجرد تأسیس، مطابق به احکام این قانون اساسی، اعمال می کند.

بعد از دایر شدن اولین جلسه شورای ملی، در خلال مدت سی روز، حکومت و ستره محکمه مطابق به احکام این قانون اساسی تشکیل می گردند.

رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان تا زمانیکه رئیس جمهور منتخب به کار آغاز کند اجرای وظیفه می نماید. ارگانهای اجرایی و قضایی دولت با رعایت حکم فقره چهارم ماده یکصد و پنجاه و نهم این قانون اساسی، الی تشکیل حکومت و ستره محکمه به وظایف خود ادامه می دهند. فرامین تقنینی که از آغاز دوره موقت به بعد نافذ گردیده است به اولین جلسه شورای ملی ارجاع می گردند. این فرامین تا زمانیکه از طرف شورای ملی لغو نگردید ه باشند نافذ می باشند. ماده یکصد و شصت و دوم: این قانون اساسی از تاریخ تصویب لویه جرگه نافذ و از طرف رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان توشیح و اعلام می گردد. با نفاذ این قانون اساسی، قوانین و فرامین تقنینی مغایر احکام آن ملغی میباشد.

بخش سوم

قانون اساسی

قانون اساسی عبارت از آن قانون عالی است که در رأس همه قوانین قرار داشته و دیگر قوانین به اساس آن مشروعیت پیدا می کند. از همین رو گاهی قانون اساسی را قانون مادر نیز می گویند .
قانون اساسی یک وثیقه ملی و اجتماعی میان اتباع کشور و حکومت بوده و توافقی است که مدت طولانی دوام می یابد.
پس از این تعریف ها میتوان یک چنین تفسیری از قانون اساسی به دست داد:

قانون اساسی تعیین کننده ترکیبها ، نورمها و قواعد میان شهروندان و ارگان های رهبری جامعه و دولت است . قانون اساسی مهمترین و والاترین سند حقوقی دولت میباشد . دولت ، آفرینشگر ، مجری و ناظر قانون اساسی است . بر اساس هنجار های حقوقیست که قوانین تدوین و تبیین می شوند . به گونه مثال حق آزادی بیان بخشی از حقوق اساسی و مدنی شهروند است و بر اساس این حق اساسی قوانین باید زمینه ساز و یا متضمن آزادی بیان این شهروند باشد . قانون اساسی رهنمای قوانین فرعی است که در زمینه های مختلف تصویب میشوند . قانون اساسی تعیین کننده دولت به صورت کل بوده و تعریف کننده خطوط اساسی نظام سیاسی و رهبری کننده بخش های آن مانند حکومت ، پارلمان ، سیستم عدلی ، تقسیمات اداری ، و تضمین کننده حقوق اساسی امتیازات و مکلفیت های شهروندی میباشد . قانون اساسی ، رهنمای عامه است و بر اساس آن قوانین و نورمهای مشخص دیگر ، در موارد معین ، تصویب میگردد . در اکثریت کشور های جهان مراکز نظارت بر قوانین اساسی ایجاد میگردد ، تا از موارد تخلف از قانون اساسی نظارت نمایند . در حقوق کلاسیک جهانی بر ارجعیت قانون تأکید صورت میگیرد ، که مطابق آن هیچ کسی ما فوق قانون نمی تواند عمل نماید ، حتی در هر موقف و مقامی که باشد . قوانین اساسی باید با اشتراک فعال تمام افراد جامعه تدوین گردد ؛ زیرا قانون اساسی به قوی ترین مرجع حفاظت و دفاع شهروندان مبدل میگردد . لذا نقطه بایسته اینست که نقش شهروندان در آن بارز و تعیین کننده باشد . در اکثر کشور ها نخست طرح قانون اساسی توسط گروهی از کارشناسان علوم اجتماعی ، حقوقدانان ، مردم شناسان ، قانون دانان ، شخصیت های سیاسی و اجتماعی ، روشنفکران و افراد متنفذ با مشارکت وسیعی از نمایندگان مردم آماده می شود .

این منبع در دوره های خاص کاری با جمع آوری نظریات مردم ، طرح مسوده قانون اساسی را آماده نموده و در معرض همه پرسى یا ريفرندوم قرار مى دهند . صاحب نظران امور حقوق بين المللى، مشاركت مى در تهيه قانون اساسى و نقش تعين كننده اراده مردم در تصويب قانون اساسى را مظهر بر جسته ترين عنصر دموكراسى مى دانند قديمترين قانون اساسى دنيا قانون اساسى ايالات متحده امريكا ست و جالب ترين آن قانون اساسى انگلستان مى باشد ؛ كه به شكل نا نوشته از اوائل قرن هجدهم تا هم اكنون به اجرا گذشته مى شود .

قانون اساسى تنها قانونى است كه مى تواند با تحقق بخشيدن به حقوق انسانى ، عدالت را در جامعه برقرار سازد.

مونتسكيو در روح القوانين مى گويد كه قوانين به معنای اعم عبارت از روابط و تأثيرات و نتايج مستقيمی است كه از طبيعت موجودات حاصل مى گردد. به اين معنى كه تمام موجودات برای خود قوانينی دارند.

البته انسانها خود نیز قوانينی وضع مى کنند؛ ولی در عين زمان قوانين ديگرى نیز وجود دارد كه انسانها آنها را وضع نكرده اند . مثلاً قوانين طبيعى كه به وسيله ء انسانها كشف مى شوند . سالها بود كه سيب ها از درختان مى افتادند ، اما اين نيوتن بود كه از فرو افتادن سيبى قانون جازبه ء زمين را كشف كرد.

قواعد اصلى كه از سوى قانون گذاران ، سران يك كشور يا يك جامعه برای بر قرارى نظم و عدالت وضع ميشود، وياهم در سير تاريخى جامعه به طور طبيعى به وجود ميايد قانون مينامند . - مجموعهء مقررات وقواعدى كه از سوى قانون گذاران و حاكمان يك كشور وضع و تصويب شده و به امضا رهبرى كشور ميرسد قانون گفته مى شود .

- قواعد كلى در علوم انسانى مانند : فلسفه ، معارف دينى ، ادبيات و امثال آنها را قانون مى گویند .

- اصول كلى كه در امور و پديده های طبيعى و علمى و روابط آنها با يك ديگر جارى است .

- رسم و روش و آيين

قانون به معنى دستور ها، مقررات و احكامى است كه از طرف دولت و مجلس شوراى مى برای حفظ انسجام و اداره امور جامعه وضع مى شود .

" قانون مجموعهء قواعد و مقررات حاكم بر نهاد های حكومت ، صلاحيت قواى مملكت و حقوق و آزاديهاى فردى است.

قانون اساسى چيست و چرا به آن نياز داريم؟

دولت

در تعریف کلاسیک دولت چنین آمده است: «گروهی از انسانهایی که در سرزمین مشخص زندگی نموده و از نظام حقوقی معین پیروی می کنند .»

دولت تنها موسسه‌ی است که اعمال حقوق اجباری (تأمین حتمی) را ممکن میسازد . کانت میگوید "دولت بر علاوه آن که تأمین کننده حقوق میباشد ، بلکه حقوق و مناسبات حقوقی نیز تحت نظر دولت بوجود میاید . مولفه های دیگر دولت را یک سلسله مشترکات دیگر نیز تشکیل میدهد ، که عبارت از تمامیت ارضی ، فرهنگ مشترک ، اردو ، پولیس و امنیت ملی میباشد .

دولت محور مستقل و غیر وابسته‌ی است که توانایی فعالیت در روابط با دولتهای دیگر را داشته و چهره قانونی جهانی داشته باشد . این محور در صورت برخوردار از نورمهای دولتی میشود که :

اول دارای باشندگان همیشگی باشد . دوم دارای قلمرو مشخص باشد . سوم دارای حکومت فعال بوده و ارکان بالایی را با خود داشته باشد . کسل در تعریف دولت گفته است . " گروهی از انسانها که در سر زمینی معینی زنده گی مینمایند و از نظام حقوقی معینی تبعیت میکنند "

دولت تأمین کننده حقوق بشر است (در اینجا منظور از دولت متکی بر پایه های حاکمیت قانون و احترام به حقوق بشر است) و از این جاست که کلیه اسناد بین المللی بر نقش دولت ها تأکید می نمایند . دولت در حقیقت قدرت سیاسی و رهبری کننده یک سر زمین مشخص میباشد . از همین جاست که حقوقدانان دولت را در قدرت های مثلث آن تمثیل میکنند که عبارت اند از : قوه مقننه یا پارلمان ، قوه قضاییه یا سیستم محاکم و قوه اجرائیه یعنی حکومت است .

قدیمترین دولتهای جهان ، دولت های می باشد که در یونان باستان و روم باستان در اروپا ، مصر در افریقا ، چین ، هندوستان و جاپان فارس در آسیا شکل گرفته اند .

حقوقدانان از این که تازه ترین رده بندیهای دولتهای معاصر در نیوزلاند و استرالیا شکل گرفته است ، با هم در مشاجره اند . برخی از این متخصصان ، دولت های تازه ایجاد را که در دوران مختلف تحت حاکمیت فدرالها و اتحادیه های کشور ها بوده و در این اواخر استقلالیت حاصل نموده اند ، از تازه ترین شکل ایجاد دولت ها میدانند .

قرنهای ۱۷ و ۱۸ شگوفاترین دوران رشد و استحکام دولتها را دربرمی گیرد . کشور های اروپایی از نخستین دولتهایی است که دموکراسی ، قانونیت و آزادی های فردی در آنها راه پیدا نمودند و زمینه های احترام به حقوق بشر در آن کشور ها ریشه گرفتند . رشد بورژوازی و تضعیف شدن پایه های فیودالیزم ، انقلابات صنعتی و اجتماعی در انگلستان و فرانسه را به ارمغان آورد و دولت ها استحکام بیشتری حاصل نمودند.

قوای سه گانه دولت

دولت از سه رکن تشکیل گردیده است.

۱- قوه مقننه،

۲- قوه اجرائیه،

۳- قوه قضاییه

تقسیم دستگاه سیاسی و قدرت اداره دولت که آن را «تیوری تفکیک قوا در نظام» می نامند، ارگانیزم فعال دولت می باشد. اگر دولت را به عنوان بدنه یا اندام انسان فرض نماییم چنین تصویری به دست می آید: پارلمان که مرجع قانون ساز است به مغز این بدنه می ماند، حکومت که ارگان اجرائیه است به دست و پا یا بدنه می ماند تا برنامه هایی را که مغز می دهد به گونه لازم به اجرا در آورد و قلب این بدنه می تواند به ارگان قضاییه تشبیه گردد تا صادقانه و عادلانه از اجرای برنامه های که پارلمان به حکومت سپرده و ارسلی و نظارت نماید. این بدنه زمانی به هم توازن و با ثبات عمل می نماید که مغز، قلب و دست و پای آن سالم و در تفاهم همدیگر عمل نمایند. دولت نیز چنین است، اگر پارلمان در هم آهنگی با حکومت و محکمه عالی به عنوان ارگانیزم فعال عمل نماید، دولت موفق نامیده می شود. منتسکیو فیلسوف بزرگ قرن هیجده در کتاب مشهور خود به نام «روح القوانین» چنین نوشت: برای جلوگیری از حاکمیت استبداد، قدرت نباید در دست یک فرد باشد. برای جلوگیری از تمرکز قدرت باید قدرت، وضع قانون قدرت، اجرای قانون و قدرت قضاوت به سه ارگان جدا از هم سپرده شود تا از قدرت سوء استفاده نگردد. از آن زمان به بعد این نظریه به عنوان یک اصل مورد قبول قرار گرفت.

قوه اجرائیه: (Executive Body)

وظیفه حکومت اجرای قوانینی می باشد که توسط پارلمان به تصویب می رسد. در جوامع پیشرفته حقوقی حکومت در تفاهم برنامه یی با پارلمان عملی نماید حکومت شامل رئیس حکومت که در کشور های

مختلف به نامهای مختلف یاد می شود، معاونان، اعضای کابینه (وزرا و روسای عالی مقام) میباشد.

قوهء مقننه یا پارلمان: (Legislation Body)

نظام تقنینی که در اکثریت کشور های جهان به نام پارلمان یاد می گردد، یکی از سه رکن اساسی دولت را تشکیل می دهد. پارلمانها در کشور های جهان به نامهای مختلف یاد می شوند. پارلمانها نظر به سیستم ادارهء دولت و شکل رژیمها از صلاحیتهای مختلفی برخوردار می باشند. پارلمانها متشکل از اتاقها، کمیته های دائمی، کمیته های موقت، کمیسیونهای بررسی و گروه های متخصصان می باشند. وظیفهء پارلمان وضع و تصویب قوانین است. طرح قوانین بنا به پیشنهاد حکومت، جامعهء مدنی و سایر نهاد های اجتماعی و عدلی صورت می گیرد. در فرهنگ واژه نگاری حقوق دولتی، طرحی که به پارلمان جهت تصویب تقدیم می گردد به نام «بی» و سندی که پس از فیصلهء هر دو اتاق پارلمان به تصویب می رسد به نام «اکت» نامیده می شود.

پارلمان در حقیقت عبارت از محل تجمع نمایندگان مردم برای تصمیم گیریهای مهم در سطح کل کشور، چون در اینجا نمایندگان مردم قوانین مملکت را وضع می کنند. یعنی وضع قوانین از صلاحیتهای خاص شورای ملی یا پارلمان میباشد.

پارلمان به عنوان يك قوهء قانونگذار و نمایندهء مردم رکن اساسی در يك نظام مبتنی بر دموکراسی میباشد.

پارلمان افغانستان متشکل از دو مجلس می باشد، که به نامهای ولسی جرگه و مشرانو جرگه یاد می شوند. اعضای ولسی جرگه توسط مردم طی يك انتخابات آزاد تعیین می گردند.

اعضای مشرانو جرگه قسماً توسط مردم انتخاب می گردند و قسماً توسط رییس دولت انتصاب.

يك ثلث اعضای مشرانو جرگه به وسیلهء مردم انتخاب میشود. ثلث دیگر از شوری های ولایتی می آیند و ثلث دیگر به وسیلهء رییس جمهور انتخاب می گردد.

سیر تاریخی قانون اساسی در افغانستان

رسیدن به مرحلهء تدوین قانون اساسی در یک کشور ، نشانگر رشد و تکامل جامعه و مردم آن بوده تا عوامل دیگر ، بیشتر این مرحله بعد از استقلال سیاسی کشور ویا پیروزی انقلاب در یک کشور تحقق پذیر شده میتواند . چنانچه مشاهده کردیم اولین قانون اساسی مدون جهان بعد از انقلاب و استقلال ایالات متحدهء امریکا بوجود آمد . در افغانستان نیز اولین قانون اساسی در سال چهارم بعد از استقلال تدوین شد .

اولین قانون اساسی افغانستان

تدوین اولین قانون اساسی پس از استقلال افغانستان در شاه امان الله خان به وجود آمد.

تصویب اولین قانون اساسی که در ۲۰ حمل ۱۳۰۲ (۱۹ اپریل ۱۹۲۳) با عنوان نظامنامهء اساسی دولت و علیه افغانستان از جانب هشتصد نفر از ارکان دولت و سران قبایل که شاه در جلال آباد به نام لویه جرگه دعوت شده بودند، به تصویب رسید . به موجب این قانون که مرکب از ۷۳ ماده بود ، برای بار اول در تاریخ افغانستان قدرت شاهی توسط قانون و موسسات سیاسی مثل هیئت وزراء، شورای دولت و محاکم محدود گردید و یک رشته از حقوق سیاسی افراد مثل آزادی بیان و نشرات یا مصونیت مسکن و محرمیت مکاتبات تأمین شد .

دومین قانون اساسی

وقتی نادر خان به حکومت رسید افغانستان را به شکل دوره های تاریک گذشته در آورد . او با اینکه از اراکین دولت امانی محسوب میشد ، برای جدایی از آن دوره و سرپوش گذاری روی پرونده دولت امانی ، خود اصول دولت و علیه افغانستان را به تصویب رسانید . که تفاوت های آشکاری با قانون اساسی امان الله خان داشت که این تفاوت ها در بررسی قوانین اساسی افغانستان بیشتر شرح یافته است .

نادرشاه نخست در ماه میزان ۱۳۰۹ برابر با سپتامبر ۱۹۳۱ لویه جرگه را مرکب از اشخاص دست چین از سران قبایل واقوام وریش سفیدان مناطق شهری در کابل دایر نمود . این مجلس علاوه بر تأیید پادشاهی محمد نادر خان هیئتی را مرکب از ۱۰۵ نفر از بین

اعضای خود جهت تصویب قانون اساسی تعیین نمود. هییت مذکور که شورای ملی نامیده شد در ماه اکتوبر قانون اساسی جدید را به عنوان "اصول دولت علیه افغانستان" مرکب از ۱۱۰ ماده به تصویب رسانید .

سومین قانون اساسی افغانستان

محمد ظاهر شاه پس از مرگ پدر در خزان ۱۳۱۲ به پادشاهی رسید و طبق همان اصول اساسی پدرش ، سی سال تمام حکومت نمود، در حقیقت خانواده یحیی خان به طور دسته جمعی حکومت میکردند ، اما با استعفای داود خان از صدارت در ۱۱ حوت ۱۳۴۱ مطابق سوم مارچ ۱۹۶۳ م ظاهر شاه داکتر یوسف را به حیث صدر اعظم تعیین نمود . و با این اقدام خود را از حصار خانواده بیرون ساخت . داکتر یوسف کابینه خود را مرکب از شخصیت های تکنوکرات و برخی شخصیات های با نفوذ قومی به تاریخ ۱۳ مارچ ۱۹۶۳ برابر با ۲۱ حوت ۱۳۴۱ به مجلس معرفی نمود . پس از معرفی اعضای کابینه ، مهمترین اقدام تاریخی داکتر یوسف ، تعیین هیأت ۷ نفره برای تدوین قانون اساسی کشور بود که به تاریخ ۲۸ مارچ برابر با حمل ۱۳۴۲ خورشیدی اعلام شد.

اولین جلسه کمیته تدوین قانون اساسی در ۱۱ حمل در وزارت عدلیه دایر گردید و یک نفر کارشناس فرانسوی به نام لوی فوزیر به عنوان همکار در این کمیته کار مینمود و بالاخره پس از بحث و جدل های فراوان و تعدیل برخی از مواد قانون اساسی تدوین شده دوباره پیشنویس تهیه شده به کمیته سپرده شد . و سر انجام لویه جرگه تاریخی در ۱۸ سنبله ۱۳۴۳ در عمارت سلام خانه ارگ دایر شد و پس از ده روز بحث و جدل علنی و اعتراضات و برخی تعدیلات جزئی به تاریخ ۲۹ سنبله ۱۳۴۳ برابر با ۲۰ سپتامبر ۱۹۶۴ در متن جدید، توسط ۴۵۴ نماینده به تصویب رسید و ده روز بعد به تاریخ ۹ میزان ۱۳۴۳ برابر با اول اکتوبر ۱۹۶۴ این قانون از سوی ظاهر شاه توشیح شده رسماً به مرحله اجرا گذاشته شد . بدین سان یکی از مهمترین دوره برای تدوین قانون اساسی افغانستان به سر رسید و یک قانون نسبتاً خوبی تدوین و تصویب شد . اما نظر به دلایل چند این قانون که میتوانست بهترین و ماندگار ترین قانون اساسی کشور باشد ، بازهم ضعف ها ، و نواقصی را در خود جا داد که در آن شرایط شاید گریز از آن ممکن نبود و یا اینکه جرات بیان و اراده تغییر آن هنوز ایجاد نشده بود .

چهارمین قانون اساسی افغانستان

با کودتای ۲۶ سرطان ۱۳۵۲، قانون اساسی مصوب ۱۳۴۳ مُلغی گردید. در آغاز تأسیس جمهوریت، محمد داود در بیانیه مورخ ۲۳ اگست سال ۱۹۷۳ برابر با اول سنبله ۱۳۵۲ تصویب قانون اساسی جدیدی را بر مبنای دموکراسی که خود آن را حقیقی می خواند وعده داده بود. این وعده برای مدت چهار سال بدون تذکار دلیلی آن معطل ماند. وی اساساً به دموکراسی عقیده نداشت و به همین دلیل کار تهیه قانون اساسی را مدت ها عقب انداخت، اما بالاخره پیدایش کشیده گی ها در داخل دستگاه و ضرورت ادامه رژیم او را وادار ساخت تا به این کار اقدام کند. بنابراین در سال ۱۹۷۶ هییتی را به تهیه مسوده قانون اساسی موظف ساخت.

در ۲۶ جنوری سال ۱۹۷۷ برابر با دلو سال ۱۳۵۵ ش مسوده قانون اساسی جدید در جراید انتشار یافت و انتخاب اعضای لویه جرگه جهت بررسی و تصویب آن اعلان شد.

انتخابات دستوری با رأی علنی در زیر نظر مقامات دولتی و پولیس محلی صورت گرفته و اشخاص مطلوب به تعداد ۲۱۹ نفر به نام اعضای منتخب لویه جرگه به مرکز آمدند. و یکصد و سی تن هم از جانب رئیس جمهور به نمایندگی از اقشار مختلف مثل دهقانان، کارگران، روشنفکران و زنان تعیین شدند اعضا در کابل گرد هم آمده و در مدت ۱۳ روز از ۳۱ جنوری تا ۱۳ فبروری قانون اساسی جدید را در یکصدوسی و شش ماده به تصویب رسانیدند.

بدینگونه چهارمین قانون اساسی افغانستان به جود آمد و به تصویب اعضای لویه جرگه رسید.

پنجمین قانون اساسی افغانستان

در افغانستان رسم بر این است که پس از تغییر رژیم، در همان بحبویه تحولات اولین اقدام رژیم جدید، لغو قانون اساسی گذشته است. لذا کودتاگران که در ۷ ثور ۱۳۵۷ قدرت را به دست گرفتند، از این قانون کلی در باره قانون اساسی افغانستان استفاده کردند. سومین فرمان حکومت تره کی که به تاریخ ۲۴ ثور ۱۳۵۷ برابر با ۱۴ می ۱۹۷۸ صادر شد این فرمان در باره لغو قانون اساسی داود خان و تعیین محاکم ملکی و نظامی جدید بود.

پنجمین قانون اساسی افغانستان به نام " اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان " در ۲۵ حمل ۱۳۵۹ توسط شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان در ۶۸ ماده به طور موقت تصویب گردیده و از اول ثور به اجرا گذاشته شد .

ششمین قانون اساسی افغانستان

با برکناری ببرک کارمل از قدرت در بهار ۱۳۶۵ ، داکتر نجیب ابتدا به حیث منشی عمومی حزب دموکراتیک خلق و بعدا در ماه عقرب همان سال به حیث رئیس شورای انقلابی تعیین شد . داکتر نجیب برای پیشبرد طرح های خود که همان مصالحه ملی بود ، مسئله قانون اساسی را پیش کشید که باید سر از نو طرح و تدوین گردد .

قانون آن دوره از قانون اساسی ۱۳۴۳ دوران ظاهر شاه و قانون اساسی ۱۳۵۶ دوره داود خان استخراج شده بود . داکتر نجیب الله طبق سیاست سنتی افغانستان برای تصویب قانون اساسی و قانونی کردن حکومت خود لویه جرگه سال ۱۳۶۶ را دایر نمود که به تاریخ ۸ و ۹ قوس ۱۳۶۶ لویه جرگه مذکور قانون اساسی را در ۱۳ فصل و ۱۴۹ ماده به تصویب رسانید. همچنان لویه جرگه نجیب الله رابه حیث رئیس جمهوری افغانستان تعیین کرد . داکتر نجیب الله هم این قانون را توشیح کرد . در کنار قانون اساسی چند قانون دیگر نیز در عصر داکتر نجیب تدوین و تصویب شد مثل قانون شورای ملی افغانستان تحت ۱۲ فصل و ۹۱ ماده در ۲۵ جوزا ۱۳۶۷ در مجلس سنا به تصویب رسید .

هفتمین قانون اساسی افغانستان

قانون اساسی دوره نجیب الله نیز به سر نوشت قوانین اساسی گذشته گرفتار شد . چرا که با سقوط رژیم نجیب الله در ۸ ثور ۱۳۷۱ و روی کار آمدن دولت مجاهدین ، این قانون نیز ملغی اعلام شد . با روی کار آمدن آقای ربانی جنگ ها نیز شدت گرفت . اما دولت آقای ربانی در کنار دیگر فعالیت ها ، کمیسیون تدوین قانون اساسی را تشکیل داد که این کمیسیون قانونی را در ۱۰ فصل و ۱۱۴ ماده تدوین نمود و یک کمیسیون ۵۰ نفره در ماه میزان ۱۳۷۲ آنرا به تصویب رسانید . آقای ربانی هم آن را به عنوان رئیس دولت اسلامی افغانستان توشیح کرد . اما نه این قانون رسمیت یافت و نه هم حکومت آقای ربانی توانست مقبولیت پیدا کند .

هشتمین قانون اساسی افغانستان

پس از تشکیل دولت انتقالی در تابستان سال ۱۳۸۱ طبق موافقتنامهء بن طی فرمانی از سوی آقای حامد کرزی رئیس دولت انتقالی افغانستان یک هیئت ۹ نفره به ریاست آقای شهبانی در ۱۳ میزان ۱۳۸۱ تشکیل شد . اولین سیمینار علمی و پژوهشی قانون اساسی روز ۱۷ میزان از سوی شورای مدافعان صلح و دموکراسی در کابل دایر شد که تعداد زیادی از حقوق دانان ، شخصیت های علمی و سیاسی در آن شرکت داشتند و به این ترتیب کار تدوین قانون اساسی از آن تاریخ شروع شد .

قانون اساسی جدید که توسط لویه جرگهء تاریخی ۲۲ قوس الی ۱۴ جدی ۱۳۸۲ هجری شمسی ، منعقد شده شهر کابل در ۱۲ فصل و ۱۶۲ مادهء به اتفاق آراء تصویب گردید ، به تاریخ ۶ دلو ۱۳۸۲ از طرف حامد کرزی رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان توشیح و انفاذ آن اعلام گردید .

ویژگی قانون اساسی جدید

قانون اساسی کنونی افغانستان در يك برههء بسیار مهم از تاریخ کشور عرض وجود نموده است ، دورانی که کشور چند دههء پرتلاطم را پشت سر گذاشته، دورانی که مردم رنج و عذاب فراوانی را تحمل کرده اند. اکنون بار دیگر افغانستان به جامعه بین المللی میپیوندد. در عین زمان مردم نمیخواهند که هویت خود را از دست بدهند و آرزو دارند قانون اساسی جدید تمام ارزش ها و رسوم پسندیده کشور را که افغانان آنرا میسازند انعکاس دهد. از این رو است که قانون اساسی جدید رسالت دارد تا میراث کهن، ارزش های محلی، آمال و دشواری های فردا را در نظر داشته باشد.

ساختار قانون اساسی جدید:

هر قانون اساسی عناصر گوناگونی را در بر دارد؛ ولی برخی از اصول شناخته شده در تمام قوانین اساسی دنیا درج میباشند. قانون اساسی در واقع پایه و بنیادی است که مجموع ساختار حکومت، نظام قانونی و حقوقی کشور بر آن متکی میباشند.

قانون اساسی جدید در ۱۶۲ ماده و ۱۲ فصل به گونهء زیرین تدوین گردیده است.

حقوق ووجایب اتباع

مردم بخش اصلی و اساسی يك کشور را تشکیل میدهد. هر گاه مردم حقوق ووجایب خود را ندانند گِرهی از کار حکومت باز نخواهد شد. بخشی از اقشار جامعه مانند زنان، اطفال و معلولین باید به طور خاص از سوی اشخاص، حکومت و جامعه حمایت شوند. در صورتیکه حقوق بعضی مردم نقض شود میتوانند از طریق شکایت به محاکم و کمیسیون مستقل حقوق بشر حقوق شان را اعاده نمایند.

رئیس جمهور

در این بخش چگونگی انتخاب رئیس جمهور، اوصاف و شرایط برای يك رئیس جمهور و همچنان صلاحیتهای که به وی تفویض میگردد بحث شده است.

حکومت

در این بخش در باره رییس و اعضای حکومت (وزرا) اختیارات حکومت، رابطه حکومت با شورای ملی و چگونگی اجرای وظایف اعضای حکومت را بیان میکند.

شورای ملی

در سطح کشور یگانه مقامی که از مردم نمایندگی میکند و توسط خود آنها انتخاب میشود، شورای ملی میباشد.

لویه جرگه

لویه جرگه یکی از نهاد های بسیار خاص افغانی میباشد، در حالاتی که کشور با خطر خارجی مواجه باشد و یا خطر جنگ ، امنیت و استقرار کشور را مختل سازد برای دفع آن از لویه جرگه دعوت میشود.

قضا

غالباً دولت دارای سه قوه میباشد: قوه مقننه، که قانون وضع میکند، قوه مجریه، که قانون را اجرا میکند و قوه قضایه که قضایای ناشی از اجرای قانون را رسیدگی میکند.

اداره

افغانستان کشور بزرگی است با زبان های گوناگون ، ملیت های مختلف و مشکلات ناشی از جنگ چند دهه به همین دلیل برقراری نظم و امنیت بسیار مهم است . ساختار اداری باید به شکلی باشد که وحدت ملی را تقویت نموده و هر کس احساس کند که از حقوق کامل شهروندی برخوردار است.

حالت اضطرار

در حالات جنگ و بلاهای طبیعی از قبیل سیل، زلزله و غیره اقدامات ویژه ای باید اتخاذ گردد به همین منظور باید به دولت اختیاراتی داده شود که در حالت عادی ندارد.

تعدیل

قانون اساسی معمولاً برای يك زمان طولانی وضع میگردد؛ ولی تنها آن قانون اساسی زیاد دوام میکند که امکانات تعدیل آن صورت ضرورت مقدور باشد. هرگاه تعدیلی ضرورت باشد مطابق احکام قانون از طریق لویه جرگه میتوان به تعدیل قانون اساسی پرداخت.

یاد داشت:

آموزگار میتواند جهت ارزیابی هر بخش از پرسشهایی زیرین استفاده نماید و یا خود چنین پرسشهایی را طرح کند .

۱- در جمهوری اسلامی افغانستان تا اکنون چند نوع دولت را پشت سر گذاشته است ؟

۲- اعضای دولت جمهوری اسلامی افغانستان کی ها اند؟

۳- راجع به سیستم دولت در جمهوری اسلامی افغانستان چی میدانید؟

۴ - رئیس جمهور جمهوری اسلامی افغانستان دارای چند معاون میباشد و کی میتواند خود را برای ریاست جمهوری کاندید نماید؟

۵- در موضوعات مهم ملی ، سیاسی ، اقتصادی و اجتماعی نقش رئیس جمهور چیست؟

۶- (۱۰) وظایف و صلاحیت های رئیس جمهور را تشریح نمائید.

۷- شخصی که بحیث وزیر تعیین میشود واجد کدام شرایط میباشد؟

۸- وظایف حکومت چیست؟

در حالت تعطیل ولسی جرگه، حکومت کدام امور را ترتیب داده میتواند؟

۹- لویه جرگه متشکل از کی ها است؟

۱۰- لویه جرگه در کدام حالات دایر میگردد؟

۱۱- در جمهوری اسلامی افغانستان چند نوع محاکم وجود دارد؟

۱۲- ستره محکمه دارای چی صلاحیت ها می باشد؟

۱۳- کی ها می توانند اعضای ستره محکمه شوند؟

۱۴- آیا ولسی جرگه صلاحیت محاکمه رئیس یا عضو ستره محکمه را تقاضا نماید؟

۱۵- در کدام حالت اضطرار اعلان میگردد؟

۱۶- وظایف رئیس جمهور در حالت اضطرار چیست؟

۱۷- مدت تعیین شده برای حالت اضطرار چقدر است؟

۱۸- آیا رئیس جمهور، معاونین رئیس جمهور، وزرا، رؤسا و اعضای شورای ملی و ستره محکمه، لوی سارنوال و قضات می توانند در مدت

تصدی وظیفه خویش به مشاغل دیگر اشتغال ورزند؟

۱۹- آیا رئیس جمهور، معاونین رئیس جمهور، وزرا، رؤسا و اعضای شورای ملی و ستره محکمه، لوی سارنوال و قضات می توانند در مدت

تصدی وظیفه خویش معامله انتفاعی انجام دهند؟

۲۰- آیا قضات، سارنوال، صاحب منصبان قوای مسلح و پولیس و منسوبین امنیت ملی، در مدت تصدی وظیفه خود می توانند در احزاب

سیاسی عضویت داشته باشند؟

- ۲۱- وظایف دولت در دوره انتقال چیست؟
۲۲- آیا در دوره انتقالی انتخابات ریاست جمهوری صورت می گیرد؟
۲۳- آیا در دوره انتقالی شورای ملی دایر می شود و چی صلاحیت های خواهد داشت؟

یاد داشت:

۱- آموزگار باید نظریات و پیشنهادهای اشتراک کننده گان را چه فراهم آوری رهنمائی آموزشی برای آینده گرد آوری کند!
۲- آموزگار باید از اشتراک کننده گان بپرسد که آن ها چگونه می توانند آگاهی و اطاعات به دست آورده خویش از این دوره آموزشی را در زنده گی روزمره تطبیق کند؟

منابع و سر چشمه ها :

- ۱- قانون اساسی افغانستان
- ۲- تفسیرواژه نامه حقوق بشر نوشته ملک ستیز
- ۳- دهه دموکراسی، نوشته صباح الدین کشککی
- ۴- افغانستان در مسیر تاریخ جلد دوم، نوشته میر غلام محمد غبار
- ۵- افغانستان در پنج قرن اخیر، نوشته میر محمد صدیق فرهنگ
- ۶- شماره های مجله جامعه مدنی
- ۷- منابع الکترونیکی